



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
سوالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی

شماره تلفن: ۸۸۹۴ - ۸۸۹۵ - ۸۸۹۶ - ۵۴۴۸

سال سوم - شماره ۷۳۲

صفحه ۱۹۱۳

مدیر سید محمد هاشمی

۲ شنبه ۳ شهریور ماه ۱۳۲۶

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۴۸۵

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

۱ - بقیه صورت مشروح مذاکرات هفتمین جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۱۲

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۷

مجلس دو ساعت پیش از ظهر روز چهارشنبه ۲۸ مرداد ماه بر ریاست آقای رضا حکمت بعنوان بعد از تنفس تشکیل گردید

کدارای خانه نیستند مورد توجه مجلس قرار بگیرد و بنحوی از دولت تقاضا بشود که دولت در ظرف چندین سال موفق بشود پنج هزار خانه در طهران ساخته شود و با ساختن پنجهزار خانه در شهر تهران این مضیقه و بحرانی که از نقطه نظر محل سکونت امروز در این شهر فراهم شده بطور قطع رفع خواهد شد و همچنین البته در شهرستانها هم باید این موضوع مورد توجه واقع شود که از طرف دولت خانه های مدرن و خانه هایی که مورد احتیاج کارمندان شهرستانها باشد ساخته بشود (یکی از نمایندگان - جزیره نامه دولت است) و همچنین صاحبان کارخانجات و اشخاصی که دستگاههای کارگری دارند در اجرای قانون کار قانون کاری که اخیراً بمجلس خواهد آمد باید آنها را هم ملزم کرد که برای آنها هم پیشنهاد شود خانه ساخته شود، تفکراتی که بنده بمرض آقایان میرسانم البته ممکن است باعث تصدیق هم باشد ولی مورد دفاع بنده است، باین جهت است که در روی مسائل مربوط بکار شهرداری میخواهم استدعا کنم که توجه بیشتری مبذول بفرمائید و یکی از آنها کار خانه برق تهران است، کارخانه برق تهران ما دارای قدرتی است به نیروی شش هزار کیلووات این نیروی برق تصدیق میفرمائید برای تهران فوق العاده ناچیز است تهران احتیاج به پنجاه هزار کیلووات برق دارد فعلاً از کارخانه های سلطنت آباد - سیمان - سیلو - از کارخانه بانک ملی از مؤسسات دیگری مشابه آن ها شهرداری تهران استفاده میکند و از این نیروی

انتظار دارند که از تذکرات، اعتراضات، پاسخها و نتیجه تصمیم مجلس اطلاع پیدا کنند و حضور آقایان در این جلسه مجلس بزرگترین دلیل اینست که میخواهند احترام به افکار عمومی بگذارند و هر چه زودتر تصمیمی نفیاً یا اثباتاً در این موضوع اتخاذ فرمایند. در حال از اینکه امروز جلسه را تشکیل داده اید منم بنوبه خود سیاست گزارم. صحبت بنده در جلسه گذشته روی ساختمان چهارصد باب خانه بود که خوشبختانه در حال حاضر ساختمان این خانه ها در شرف اختتام است و طبق آئین نامه ای که در دست تنظیم است و بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید این خانه ها بین مستخدمین بی بضاعت - مستخدمین مستأجر - مستخدمینی که توانائی خرید خانه ندارند و اشخاصی که در آن گودالهایی که اشاره کردم زندگی میکنند باید تقسیم شود. من میخواهم از آقایان استدعا کنم و میخواهم بگویم یکی از علل اینکه زندگانی در شهر تهران بالاخص فوق العاده گران و طاقت فرسات یکی از عوامل این گرانی کرایه خانه است و میخواهم از آقایان تمنا کنم در برنامه ای که دولت بمجلس شورای ملی خواهد داد موضوع ساختمان خانه های ارزان بهاء برای مستخدمین دولتی

رئیس - جلسه پیش چون بانفس ختم شده صورت جلسه نیست آقای مشایخی بقیه دفاع خودشان را میکنند.
صادقی - یک مختصر توضیحی بنده دارم.
رئیس - درجه خصوص.
صادقی - یک تذکر مختصری در خصوص بیانات دیروز آقای مشایخی دارم.
رئیس - بعد از اینکه بیان ایشان تمام شد آنوقت بسرکار اجازه میدهم که صحبت کنید.
مشایخی - در جلسه گذشته آقایان نمایندگان محترم بانوجه ودقت کاملی عرایض من را استماع فرمودند و باین ترتیب نشان دادند علاقمند بکشف حقیقت و تشخیص حق از باطل هستند، اینکه با این گرمای هوا برخلاف سیره و معمول مجلس که جلسات مجلس یکروز در میان تشکیل جلسه میداد و آقایان قبول فرموده اند و امروز هم در جلسه تشریف فرما شده اند بزرگترین دلیلی است که میخواهند بانظر حق یک موضوعی را که از موضوعات اجتماعی و حائز اهمیت است صریحاً و دقیقاً مورد اتخاذ تصمیم قرار دهند. موضوع اعتبار نامه من در تمام صحافت تهران امروز مورد بحث است همه

● عین بقیه مذاکرات مشروح هفتمین جلسه از دوره پانزدهم قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

کمکی و نیروهای دیگری که در دست دارد استفاده میکند و با این وضع خاموشی تهران مورد عدم رضایت اهالی تهران است. البته علت خاموشی های مکرر یکی علت فرسودگی کارخانه است و یکی هم بنسب است اینست که این مقدار نیرو تکافی احتیاجات تهران را نمیکند، در سال گذشته شهرداری تهران موفق شد با نداشتن پول، با نداشتن سرمایه با جلب توجه بانک ملی و بانک کشاورزی یک کارخانه به نیروی هشت هزار کیلووات از شرکت وستینگهاوس یعنی متعلق به ارتش امریکا خریداری کرد این کارخانه وارد شده و دو نفر هم مهندس امریکایی وارد شده است و ساختمان آن در دست نصب و اقدام است. راجع باب تهران هم تذکر مختصری عرض میکنم، آب تهران که منبع مهمش رودخانه کرج است در حدود یکصد و بیست سنک آب ما از آنجا استفاده میکنیم و نیز از قناتهای استخراجی تهران هم شصت سنک شهرداری تهران استفاده میکند که جمعاً یکصد و هشتاد سنک میشود. در سال گذشته بنده متوجه شدم که این یکصد و هشتاد سنک تکافی اهالی تهران را نمیکند تهران توسعه پیدا کرده است و تهران هشتصد هزار نفر جمعیت پیدا کرده است و تهران دارای چهار کیلومتر مربع مسافت است و بایستی تمام این چهار کیلو متر مربع مشروب شود ناچار باید سیر آب گردد این بود که بفکر حفر چاههای مورد بحث که اشاره شد. افتادیم باری در سال گذشته بمنظور تأمین آب تهران و تأمین کمبود آب تهران با متخصصین باشخاصی که میتوانند در این موضوع صاحب نظر باشند مذاکره کردیم که در این موضوع چه باید بکنیم البته پروژه هائی در این موضوع در دست اقدام بود منمطرفدار تعقیب آنها هستم مثل پروژه سد لاو مثل پروژه سد کرج ولی این بپردازم روز ما نمیخورد بپردازم گذشته ما نمیخورد این بود که متخصصین اظهار عقیده کردند که حفر چاه در نقاط جنوبی شهر مفید فایده واقع خواهد شد. قراردادهائی با شرکت های صلاحیتدار که در مناقصه آنها بالاخره برنده کار شده اند بسته شد و هفده حلقه چاه در شهر قرار شد حفر شود که بیشتر این چاهها در امتداد خیابان مولوی از غرب بشرق از میدان گمرک الی خیابان ری منتهی میشود و بیشتر آنها در عرض این راهها باید حفر شود این چاهها در سال گذشته کمک مؤثر و شایانی بآب تهران کرد و در نظافت و لطافت هوا خیلی مؤثر بود (فرامرزی - اینطور نیست) راجع باینکه گفته شده که آب بطهران داده نشده راجع باین موضوع هم توضیحات لازم در فصل پاسخ با اعتراضات عرض خواهم کرد آبی هست در امیرآباد قناتی هست که وقتی ارتش امریکاییها در تهران بودند یک دستگاه تصفیه در آن قنات کار گذاشتند و این آب را تصفیه میکردند در اینجا هم بکسک آقای دکتر مظنی ما موفق شدیم و با دانشگاه تهران یک قراردادی منعقد کردیم. یعنی بنامش که شهرداری تهران بهره برداری بکنند یعنی لوله کشی بکنند و بیاورد بشهر تهران یعنی لوله هائی از قبایلی کالا های امریکاییها خریداری کردیم وارد شد. و نصب شد تا بکفته دیگر هم بطور قطع و یقین این آب لوله کشی شده که در حدود یک سنک است در شهر تهران مورد استفاده

واقع خواهد شد و در اینجا فقط بطور اختصار عرض میکنم لوله کشی یکی از مسائل حیاتی و دارای اهمیت هر شهری است، لوله کشی یکی از موضوعاتی است که در درجه اول است از نقطه نظر زندگانی از نقطه نظر بهداشت متأسفانه در گذشته اینکار عملی نشد در سال قبل بنابر اوامر امریکه از مقامات مربوطه با اداره شهرداری داده شده بود ماموق شدیم پروژه ها و طرحهای اینکار را تهیه بکنیم شرکت الکساندر کبب معروفیت جهانی دارد و یکی از کمیتهائی است که در کار های میاه در هندوستان و در بعضی از ممالک اروپا کارهای مهمی کرده است برنده مناقصه شد و پس از این که برنده مناقصه شد آن وقت این شرکت پروژه شهر تهران را تهیه کرد. تسلیم شهرداری کرد اعلان مناقصه موارد مورد احتیاج را تهیه کرد. اعلان مناقصه کارهای ساختمانی را تهیه کرد بنحوی که آقایان ملاحظه کردند در سال گذشته اعلان لوله کشی آب تهران داده شد و در چندین قبل شروع به تشریفات کار لوله کشی از طرف شهرداری تهران گردید و از اهالی حضرت همایونی استند شاد شریف فرمادند و نالساها که آقایان اینجا تشریف دارند لوله کشی تهران در معرض اجراء است موضوعی را که حالا میخواهم عرض کنم یک موضوعی است که مطلقاً مورد توجه تمام آقایان است و از جمله نکات اعتراض بود موضوع خوار بار تهران است یکی از اعتراضاتی که شهرداری تهران میشود عدم تنزل هزینه زندگانی در گذشته و در حال حاضر است بعضی از روزنامه ها اخیراً بنسب گرانای هزینه زندگانی حملاتی بشهر داری میکردند و از وارد کردن و نسبت دادن همت و افتراء نسبت بشهر داری خود داری نمیکردند بنده میخواهم با دلایلی که عرض میکنم ثابت کنم که اتهامات روزنامه ها در این مورد از شهرداری منطقی نیست و اعتراضاتی که مینمایند مورد ندارد زیرا که نظر به اینکه شهرداری تهران فقط و فقط موظف به تعیین نرخ خوار بار است و دادن هزینه زندگی ملازمه با عملیات و اقداماتی دارد که انجام آن برای شهرداری تهران مقدور نیست آقایان میدانند که مقدار رایج اسکناس موجود تأثیر بسزائی دارد و مطابق قانون بانکی و اقتصادی بعضی اینک بمقدار رایج اسکناس اضافه شد با اصطلاح معروف وقتیکه مقدار رایج اسکناس از حد تعادل خارج گردید و انفلاسیون ایجاد شد وقتی که مقدار رایج اسکناس برور ترقی کرد و قابل مقایسه با زمان قبل از جنگ نشد قهراً قیمتها ترقی میکنند. ما در امور خودمان انفلاسیون نداریم نخواهیم بگویم که انفلاسیون پیدا شده است و پیشتره بانک ملی برای موجودی اسکناس رایج کافی است (صحیح است) انفلاسیون نیست در وضع پولی ما (دهقان - آقا در این بحث وارد نشوید خواهش میکنم) میخواهیم باین موضوع وارد شوم که مقدار رایج اسکناس فعلی قابل مقایسه بزمان قبل از جنگ نیست و مادامیکه مقدار این اسکناس بزمان قبل از جنگ بر نگشته نمیتوانیم معتقد باشیم که قیمت ها به قیمت قبل از جنگ بر گردد (یکی از نمایندگان - صحیح نیست - اینطور نیست) حقوق مستخدمین دولت بنوبت خود حامل مؤثری برای ترقی قیمت هاست در زمان جنگ وقتی که قیمتها ترقی می کرد وقتی که ارتش خارجی در مملکت ما

بود وقتی که لهستانها میآمدند بکمر تبه تعمرغ از دهشاهی بدوقران ترقی میکرد از حلی که آنوقت بنظر دولت میرسید این بود که گفتند کمک هزینه کارمندان دولت را زیاد بکنند بنده رتبه ه فرض کنیم بودم حقوق من ۱۵۰ تومان بود دوست تومان کمک هزینه بن دادند، این سیاست مالی و سیاست پولی که در موقع بحران و در موقع ترقی قیمتها حقوق مستخدمین را اضافه میکنند بهمان نسبت ارزشها در شهر و مملکت ترقی خواهد کرد. موضوع ارزش ارز خارجی نیز بنوبه خود از نقطه نظر قیمتها قابل توجه است آقایان دلار امروز شش تومان است در صورتی که بورس رسمی بانک ۳۲ قران همینطور یونند در بازار قریب ۲۴ تومان است و نرخ رسمی بانک سیزده تومان است این پارچه ای که میخواهیم بیوشیم با دلار خریداری میشود اگر مملکت ما از حیث ارز غنی بود میتوانست ارز خارجی در دسترس بازار گران بگذارد این پارچه امروز به نصف قیمت در بازار تهران عرضه میشد (دهقان - انگور و بادنجان را چه میگویند؟) اجازه بدهید توضیح بدهم. مادامیکه ارزش ارز در بازار آزاد با ارزش ارز آزاد در خارج در مملکت ماقابل مقایسه بازار بانکی نداشته باشد بایستی متوقع باشیم که ارزش قیمتها باندازه ارز و یا معایب ارزش ارز در بازار آزاد باشد. بنده خیال میکنم همین چنددلیلی که عرض کردم کافی است برای اینکه بگویم ترقی قیمتها معلول باین علل است و تا وقتیکه این موجبات را تسهیلاتی برایش فراهم نکنند قیمتها تنزل پیدا نمیکند بودجه مملکت ماهتصد و پنجاه میلیون تومان است هشتصد و پنجاه میلیون تومان هزینه کشور است این هشتصد و پنجاه میلیون تومان از چه محلی تأمین میشود. دولت ها بایستی در سیستم مالیات، مالیات مستقیم، مالیات غیر مستقیم انواع مالیات های متناسب هر کشور را رویه ای برای خودشان ایجاد بکنند که هزینه مملکت را از آن راه تأمین بکنند ولی در مملکت ما قسمت مهم هزینه کشور از راه فعالیت های اقتصادی اداره می شود وقتی که دولت شکر را میخرد، قند را میخرد و میاورد بوسیله کوبین چهار تومان یا پنج تومان می فروشد و از این راه یک سود سرشاری میرود و وقتیکه کالاهای قماش ۱۷۵ درصد حقوق انحصاری بهش تعلق میگیرد و بین ترتیب هشتصد و پنجاه میلیون تومان بودجه خودش را تأمین میکند و یا سایر اجناس را نسبت به بودجه خودش باین ترتیب میفروشد. با این ترتیب آقایان متوقع هستند که این منافع را نبرد و ۸۰۰ میلیون تومان خرج بکنند مقدار اسکناس هم ۵۰ میلیون تومان باشد ارز خارجی هم در بازار آزاد ترقی یا تنزل نکند. هیچ عملی نیست، هیچ منطقی نیست. مردم توقع دارند که بادنجان - گوجه - سبزی - سبزی مینی اینها ارزان شود؟ (یکی از نمایندگان - بیخ) و این چیزها که گفتم ارزان نشود این توقع بعقبه من توقع نامشروعی است. چرا برای اینکه آن مولد آن زارع بدبخت لغت و کسب اجناس را به آن قیمت هائی که میفروشد دو ذرع چیت برای خودش نمیتواند ببرد که ستر عورت کند (صحیح است) قند و شکر و قماش دولت که با کوبین هایش تهیه میکند نمیتواند استفاده بکند

اینجا از موکلین من در بلوک غاروفشاقویه هستند سال گذشته شدیداً بین اعتراض کردند و امسال هم اعتراض کردند که این سیاست که شهرداری امسال اتخاذ کرده که من صریحاً میگویم این سیاست را از نقطه نظر تربیت یکدستهای اجرا کرده ام و من خود هم در عین حال معتقد بودم و معتقد نیستم که تا وقتیکه این موانع مرتفع شود بتوان قیمتها را تنزل داد و با این رویه زارع از بین میروند رعیت لغت و گرسنه و حتی مالک از بین خواهد رفت ما بایستی کالاهای مورد احتیاج مردم را تولید بکنیم بیاوریم و در این بازار بفروشیم پول و سببه مبادله است میرویم آن پول را بدست بیاوریم با آن پول چه بخریم، قماش بخریم - بادنجان بخریم یک قران را هفت قران بخریم در صورتیکه قبل از جنگ آن قیمت بوده حالا ما برویم باین قیمت بخریم با وجود این توقع اینک قیمت بادنجان بکمر تبه از فلان قیمت که قبل از جنگ بوده است حالا هم دنبال او برویم بنظر بنده معال و متمتع است این یک کلبائی بود بنده عرض کردم و در عین حال معتقد هستم که اجحاف در موضوع خوار بار شهر تهران زیاد است بایستی از اجحاف جلوگیری کرد. بایستی رویه و سیاست خوار باری تهران و دستگاه مربوطه طوری بشود که از اجحاف فرورونده جلوگیری بشود یعنی طوری بشود که بفروشدگان اجازه داده نشود بیشتر از صدی ده، صدی پانزده ما که بیوم صدی بیست و دو ببرد تصدیق میکنم که خیلی از فروشدگان متجاوز هستند خیلی معذرت میخواهم من یک سند رسمی دیدم بین دوتا سبزی فروش تنظیم شده ۶۰ تومان سرمایه گذاشته اند هر کدام سی تومان در آنجا قرار گذاشته اند که سبزی فروشی بکنیم و بعد منافخ را بین خودمان در آخر ماه تقسیم کنیم مضافاً اینکه روزی ده تومان هم برداشت کنیم یک فروشنده اینکه میتواند با ۳۰ تومان در ماه ۴۰ تومان برداشت کند و در آخر ماه هم مازاد منافع را بالاخره بین خودشان تقسیم کنند تصدیق میفرمائید که این اساس اجحاف در موارد خوردنی است از این نقطه نظر برای مثال عرض کردم و در عین حال معتقد هستم که باین طبقه هم بایستی زیاد فشار آورد برای اینکه اینهم خرج دارد، اینهم روزی ده تومان خرج دارد که بایستی ده تومان خرجش تأمین شود بهر حال چکار میتواند شهرداری بکند؟ شهرداری یک قانون دارد - عنوان قانون کیفر گرانفروشان متخلف تهران این قانون باید حتماً اجرا بشود شهرداری که خودش نمی تواند برخلاف قوانین جاری، بیخود خودش، باراده خودش یک کسی را بیاورد توی میدان شلاقش بزند بایستد بفرستد بدادگاه، دادگاه کیفر گرانفروشان متخلف را تعقیب بکند ما هم این کار را کردیم آقایان در طهران، کسبه خوار بار فروش بیشتر از هفت هشت هزار نفر هستند آماز متخلفین خرد ماه در سال جاری ۱۰۴۲ نفر بوده یعنی ۱۰۴۲ نفر حبس شده اند، شلاق خورده اند جریمه شده اند بنفع صندوق دستگاه وزارت دادگستری از نظر تغلف از قیمت های شهرداری. باین ترتیب اناصاف اجازه میدهد که از هشت هزار نفر کسبه خوار بار فروش تهران بیشتر از این مجازات شود؟ بطور قطع نه. اینجا یک نکته دیگر هم

میخواهیم عرض کنم و آن این است که يك انتشارات دیگری هم در اطراف شهرداری تهران که اشاره کردم این است که می گفتند شهرداری تهران از میدانها از طرف بافروشهای میدان، از بافروش های تهران و جوهی مستراً سوء استفاده میکنند یا بنفع خودش یا بنفع دستگاههای دیگری بنده میخواهم باستحصار آقایان برسانم که سوء استفاده کردن لازمه اش این است که يك کسی با شخصیتی که میخواهد از او متمتع بشود بنحوی از انعام کمک بکنند اینک در مورد او اعمال قدرت و شدت عمل بکنند خواه مطابق قانون خواه برخلاف قانون، اگر من توقع مساعدت داشته باشم فرض بفرمائید از آقای عباس مسعودی حق اینست که منمطوبه خودم در مقابل خواهش او سکوت محض اختیار کنم، تسلیم شوم و یک راضی داشته باشم. اگر بنا شود که شهر داری تهران بخواهد از دستگاه میوه فروشها بنفع حزب، بنفع خودش یا بنفع اشخاص دیگر چنانکه آن اشخاصیکه میخواهند این است که نسبت بآنها حد اهلائی رفت و مهربانی را کرده باشم بنده از جمله اشخاصی هستم که معتقدم یکی از علل گرانای میوه و یا خوار بار این است که میادین تهران متعلق بشهر داری تهران در دست شهرداری نیست و قبل از بنده شهرداران اسبق آنها را اجاره داده اند بیک عده اشخاص. من معتقدم که امر قیان، تصدی امر قیان، در طهران باید منحصر بشهر داری باشد شهر داری هم خودش بنوبه خودش باید يك کالا هائی را بخرد و بنظر خودش عرضه کند و در آن میدان هاهم بار صاحبان کالاها را بفروشد و کسبیون بپردازد (یکی از نمایندگان - باید آزاد باشد) و تا وقتیکه میدان در تصرف شهرداری نیست کنترل شهرداری بر آن نیست این سیاست فکری را بنده داشتم و از روز اول ورود بشهر داری برای اجرای این منظور رفتم دیدم میدان بوجوب سند رسمی در اجاره چند نفر است چه باید بکنم. بیا بخلع ید یا قفس مازور که نمیتوانم این کار را بکنم اگر بنام اینکه من شهردار هستم این عمل غیر قانونی را بکنم تصدیق میفرمائید مورد اعتراض مردم و مقامات قضائی واقع میشود و همچنین مجلس شورای ملی هم نمی پذیرد این عرایض بنده را (صحیح است) که از نقطه نظر نظام اجرائی بایستی در مواقع غیر عادی يك اقدامات غیر عادی کرد ولی وضع نرمال و وضع هادی بین اجازه نمی داد که غیر از توسل بدادگاه، غیر از توسل بمعکم، غیر از توسل بدادگاه تمهید مال الاجاره بوسیله دیگری اقدام کنم رفتم بتعمیل مال الاجاره این نامه ایست که از اداره حقوقی شهرداری کیهانی نوشته است در صورتیکه این شخص يك جوان بیسابقه و رتبه ۹ است در پاسخ شوالی که بنده کرده ام بنده مینویسد: شهرداری يك اداره حقوقی دارد و آن شخص رئیسش هست یکی از وکلای مشاور شهرداری آقای هاشم وکیل است، یکی از وکلای مشاور شهرداری آقای دکتر کاظمی است آنها نشنستند مشورت کردند گفتند که منحصرأ برای رفع ید میدان باید اقامه دعوی کرد و این اقامه دعوی و حکم در موضوع حسن بختیار مستاجر میدان امین السلطان را که امر مقرر فرمودند دهائی گزارش عرض شود تصدیق می دهد

دهائی شهر لوی حسن بختیار برای تخلیه میدان بر زمین لوی حسن بختیار ۱۲۶۵ از شعبه سوم اداره تمهید مال الاجاره تهران بوسکالت همید وکیل مدافع شهرداری تهران صادر شد ولی بعلت اینکه آقای حسن بختیار از دادنامه صادره تجدید نظر خواسته بشماره های فلان و فلان بجناب آقای مدیر کل ثبت اسناد و املاک نوشته شد و تقاضای ابرام حکم صادره از دادگاه تجدید نظر شده است ولی هنوز نتیجه و جوابی از اداره کل ثبت اسناد نرسیده. آقایان برای يك شهرداری که میخواهد قیمتها را تنزل بدهد، میخواهد خوار بار را مطابق منوی و تقاضای روزنامه نویسها تنزل بدهد و میدانید که یکی از علل گرانای قیمت ها تمدنی قیان دارها در میدانها است، من باید چه بکنم؟ باید مراجعه بدادگاه بکنم، رفتم دادگاه حکم صادر کردم مورد اعتراض واقع شد رفت دادگاه تجدید نظر و پنجاه هزار تومان شد، در قسمت دوم مینویسد، چهل و چهار هزار و چهار صد و هشتاد و دو تومان و سه قران از بابت مال الاجاره موقوفه میدان همین مستاجرین قبل از تصدی بنده بشهر داری طهران مدیون بودند آن را هم مستند قرار دادم رفتم به ثبت اسناد که بآستکاء عدم پرداخت مال الاجاره هم حاکم الاجاره را بگیرم و هم بگویم که از شرط پرداخت مال الاجاره تغلف شده است رفتم بآنجا طبق این یاد داشتی که این جا مینویسد، او رفت در آنجا با توسل بمقامات مربوطه در حدود قانون جلو اجرائیه را گرفت، حالا من از شما سؤال میکنم برای تنزل قیمت بادنجان شهرداری چه کار بکنند؟ شما میگویند روزی هشتاد هزار تومان شهرداری طهران از این حسن بختیار به نفع خود و به نفع دیگران روزانه پول بگیرد، این گجاش درست است آقا؟ کی از حسن بختیار روزانه پول بگیرد؟ اگر من روزی هشتاد هزار تومان پول بگیرم، چرا میروم اداره تمهید مال الاجاره (بعضی از نمایندگان - کی این حرف را گفته است آقا) رئیس - آقایان ساکت باشند بگذارند که حرفشان را بزنند.

مشایخی - مقصود عرض بنده این است که این جنجال ها و اتهامات بایستی مورد توجه و مورد دقت آقایان واقع شود و من افتخار میکنم باین که میتوانم ذهن آقایان را متوجه يك حقایقی بکنم و وجدانم را گرو میدهم که يك کلمه خلاف حقیقت صحبت نکنم و برای تمام موضوعاتی که گفته شد مدار کی مستند بدلیل بعرض آقایان میرسانم و از تمام آقایان استنکاف میکنم توجه مخصوص داشته باشند. بنده میخواهم از ذکر این چند موضوعی که مربوط بکار شهرداری بود باین نتیجه برسم که يك کارهائی در سال گذشته در شهرداری طهران شد انجام این کارها در شهرداری بزبان آسان می آید بودجه شهرداری ده میلیون تومان است. در آمد شهرداری در سال ۱۳۲۵، ده میلیون تومان است از این ده میلیون تومان شش میلیون تومان آن حقوق بوده است و این حقوق را بنده ایجاد کرده ام ماهی ۵۰ هزار تومان از این بودجه شهرداری حقوق کارمندان شهرداری طهران است، ماهی

۱۵۰ تومان حق رفتگر شهرداری تهران است، در حدود دو هزار نفر کارگر متفرقه و پنجهزار عمه روزانه باید حقوق بگیرند شش میلیون تومان از ده میلیون تومان را باید حقوق داد، ممکن است اعتراض بشود که چرا شش میلیون تومان بایستی حقوق داده و بقول آقای مکی که بگویند چرا عضو استخدام کرده اید؟ راجع باضافه شدن عضو بعداً شرح میدهم و اما این که شش میلیون تومان حقوق داده می شود برای این است که شهرداری تهران چهل سال است تأسیس شده است، تشکیل شده است و در حال حاضر در حدود هزار نفر کارمند دارد و از این هزار نفر کارمند باستانی دویست نفرش که رتبه یک و دو سه و چهار هستند هشتصد نفرش رتبه ۶ و هفت و هشت و نه میباشد که برور در اجرای قانون استخدام این ها ایجاد شده اند یکمده ای هستند که اینجا زندگانی کرده اند، همشان را گذرانده اند، وسیله ای هم برای ارتزاق ندارند مع الوصف باینکه بنده میدانستم اگر اقدامی از طرف شهرداری طهران، از طرف بنده کوچک برای تنزل حقوق بعمل آمد یک هائنه یا نصد نفری برای من معترض پیدا میشود، دشمن پیدا میشود، و امروز بانصد نفر معترض در مجلس شورای ملی موجبات زحمت و مخالفت بنده را فراهم میکنند معذلت در وطنی يك نامه بدولت نوشتم که شهرداری طهران از شهر طهران ده میلیون تومان پول بگیرد، انصاف نیست که شش میلیون تومان حقوق بدهم این مستخدمین را مقرر بفرمائید در وزارت خانه های دیگر منتقل و استخدام بکنند و باینکه اجازه بفرمائید تقلیل بودجه بدهم و پنجاه درصد از اعضاء را کم بکم، من نمی گویم این اعضائی که در شهرداری طهران هستند، حجم کار شهرداری کمتر از این همه است اگر ما بخواهیم يك شهرداری داشته باشیم که تمام احتیاجات اهالی طهران را آن طوری که قانون معین کرده و آن طوریکه بالاخص روزنامه ها میخواهند مرتفع بکنیم، شهرداری طهران پنجهزار نفر لازم دارد ولی با بودجه فعلی با وسایل فعلی بایستی این بودجه را تنزل بدهیم از دولت هم تقاضا کردم، دولت هم حقداشت، زیرا از نقطه نظر بعضی چیزها نمی توانست این کار را بکند، یعنی از نظر بخران سال گذشته مقضی نداشت کسی را گرسنه بگذارد، سازمان اقتصادی وزارت دزائی که بنده سال گذشته آنجا بودم سه سال است دویست نفر را بیرون کرده، اداره قند و شکر و انحصار قماش را ملغی کردند گفتند قسمت اقتصادی را ملغی می کنیم، سه ماه حقوق میدهم بعد میگویم بروید بی کارتان، دو سال است باین ها حقوق می دهنده، چرا؟ برای اینکه اینها هم حق دارند، مردمان بیکاره، مردمان بیچاره، کارم که زیاد نیست بیشتر از این هم که نمی شود بر تعداد گرسنه ها و بیچارگان اضافه کرد مخصوصاً باوضعی که در سال گذشته پیش آمد با بخران فوق العاده ای که در سال گذشته بود، وضعیت بنحوی بود که اجازه نمی داد بیش از این به ... گرسنه های طهران اضافه بکنیم، مقصود از هرايضم این بود که از این ده میلیون تومان بودجه شهرداری شش میلیون تومان حقوق می دهم و دو میلیون تومان بهمان بنگاه های خیریه که عرض شد مادو میلیون

تومان دیگر پول داریم که بنده بایستی با آن دو میلیون تومان در شهرداری طهران کار بکنم، گفتیم چطور میشود که با دو میلیون تومان در شهرداری کار کرد؟ مقدماتی فراهم شد بنده چه کارهایی کردم ملاحظه بفرمائید آیا می شود با دو میلیون تومان پول اینکارها را انجام داد؟ بنده می خواهم عرض بکنم که پنج میلیون تومان برای خانه ها پول گرفتن، چهار صد و پنجاه میلیون ریال از بانک قرض گرفتن برای لوله کشی و جرخاندن دستگاه شهرداری، يك میلیون متر مربع در سال گذشته در شهرداری طهران، اسفالت شده است، نود هزار متر نهرسازی شده، در سال ۱۳۲۲ از عطیه ملوکانه تصمیم گرفتند صد هزار متر نهر بسازند، شاه نهر بسازند که آب طهران فروزنورد و حیف و میل نشود، چون آب طهران کم است، در تمام سال موفق شدند ۶۰۰ متر بسازند، بنده در سال گذشته نود هزار متر در طهران نهرسازی کردم و نهرهای طهران را بتونه کردم که از نفوذ آب جلوگیری بشود، اینجا خدماتی است که در طهران انجام شده است، هشت میلیون تومان پول از بانک گرفته که کارخانه برق در شهر ایجاد شود، آیا این کارها کارهای آسانی بود؟ همین کارها است که برای من دشمن درست کرده است، همین عملیات است که برای من دشمن ایجاد کرده است، چطور شد که ما این پولها را توانستیم قرض کنیم، آقای مکی گفتند که شهرداریها نمیتوانند بیش از سی درصد در آمد خودش را قرض کنند، صحیح است، آیا چه شد که این پولها را قرض کردیم؟ وقتی که بانک متوجه شد که مثلا لوله کشی طهران عملی است، طرحها و نقشه ها تمام حاضر است مهندسین و مشاورین و کمیانی الکساندر گیپ، اشرفند و این کمیانی يك کمیانی باصلاحیتی است آن وقت قرض گرفته شد، طبق تصویب نامه صادره از هیئت وزیران هم مقرر شده بود که از هر صاحب خانه مبلغی بعنوان لوله کشی گرفته شود در آن تصویب نامه مقرر نموده که از راه دریافت حق انشعاب در ظرف ۳ سال میشود بیست میلیون تومان پول از اهالی طهران گرفت، پس وقتی که بانک متوجه شد وسایل کار فراهم است حاضر شد که ۴۰۰ میلیون ریال پول ب شهرداری قرض بدهد آقایان تهیه این طرحها، این پروژهها و مذاکره با ادارات مربوطه و جلب موافقت آن ادارات و هیئت وزیران بوسیله بنده و شهرداری طهران کار آسانی نبود زحمت کشیدم فعالیت بخرج دادم موفق شدم که بتوانم يك خدمتی برای شهر طهران انجام بدهم و من امروز در پیشگاه خداوند شکر گزارم و بسیار گزار هستم که بمن توفیق داد که بتوانم این خدمت نا چیز را بساهالی طهران کرده باشم بنده میخواهم عرض کنم که در نتیجه این جریان يك عمده زیادی از بنده يك توقعاتی داشتند میل داشتند که مقاطعه کار بشوند و باینکه جزو مقاطعه کارها دعوت بشوند و من از آنها دعوت بکنم و در ساختمان خانه ها جزو مقالمه کاران آنها را دعوت بکنم مایل بودند بدون داشتن هستی و سرمایه با مقاطعه کاران که امروز کار در دست آنها است آنها را شریک بکنم من نمی توانستم این کارها را بکنم من نمی توانستم این توقعات را انجام بدهم انجام این

توقعات خیانت بملت خیانت بدولت و خیانت باین آب و خاک بود من آنرا برخلاف مصالح شهر طهران میدانستم تصور نمی فرمائید این اشخاص از حیث این توقعاتی که از من دارند دشمن بنده شده باشند؟ بنده صریحاً عرض میکنم که یکمده دشمنان زیادی از این نقطه نظر دارم در همین مجلس شورای ملی (برزین - اسم بیرید این اشخاصی را که در مجلس شورای ملی هستند آقا) (بعضی از نمایندگان - اسم بیرید آقا) ... میگویم، خواهم گفت، کسانی بودند از طبقات مختلف، از متنفذین توقعاتی داشتند ... (بعضی از نمایندگان - اسم بیرید آقا) انجام ندادم بامن عداوت و دشمنی میکنند، این مخالفتها می که با بنده میشود، سر مخالفتها و سوء انتشاراتی که از طرف اشخاص بمن میشود همین است و بس متأسفانه در این مملکت هر کس کار کند هر کس فعالیت و کوشش کند بدنام میشود، کارهای مفید بنامی دارد، کار نکردن، مهمل بودن، دست روی دست گذاشتن خوشنامی دارد (بعضی از نمایندگان - بارک الله) (زنك رئیس) ... آقایان توجه بفرمائید ساکت باشند و آقایان تماشاچیان نیز نظم مجلس را رعایت کنند والا من مجبورم ماده ۱۴۲ را رعایت و اجرا کنم خنده و این کارها را کنار بگذارید.

مشایخی ... بنده نمیخواهم بگویم که چه افکار زشت و چه تخيلات جاهلانه و اشخاصیکه سنگ مردم را بسینه میزدند بودند، بنظر من هر کس که مملکت را دوست دارد باید در راه اصلاحات هر قدر میتواند خدمت کند به مملکت فعالیت کند، مملکت احتیاج به سعی و عمل دارد مملکت محتاج بکار است باید کار کرد و از هو و جنجال و تهمت نترسید و بنده هم هیچ نترسم و باصکی ندارم، حالا می آئیم سر مخالفتها می که مورد بحث است، مجلس دوره با نهم از روز ۲۵ تیر ماه باز شد طرح مخالفت با بنده از طرف آقای مکی از روز اول فروردین ۱۳۲۵ تخمش کاشته شده بود مخالفتی که آقای مکی نسبت بمن ابراز میکنند صریحاً عرض میکنم از روی غرض و عداوت شخصی است و بحکم عقل و منطق و مطابق قانون اظهارات اشخاص منفر در صورتیکه متکی ب مدارک مثبتی نباشد مردود است و من قبل از ورود بدفاع دلیل غرض ورزی آقای مکی را نسبت بقوم عرض میکنم. آقای مکی از فروردین ۱۳۲۵ بدستور آقای مظفر فیروز ب معاونت شهرداری طهران منصوب شدند ایشان سوابق و اطلاعات اداری بنظر من بحد کافی نداشتند و قبلیه معاون شهرداری طهران شدند مثل اینکه من هم زود آمدم بشهرداری بقرینه یکمده ای ...

(آشتیانی زاده شما را هم آقای مظفر فیروز بشهرداری آوردند). بنده را جناب اشرف آقای قوا السلطنه آوردند به شهرداری طهران (زنك رئیس).

رئیس - آقایان بگذارید صحبتشان را ادامه بدهند.

مشایخی ... فکری برایشان ایجاد شد و آن این بود که کف زیر پای مشایخی را باید جارو کرد، باید مشایخی را کنار گذاشت باید شهردار شد آقای مکی عضو حزب ایران بود، حزب ایران مردمان شریفی داد عناصری را یکی دارم مردمان خوبی

دارد بنده با فراد آن حزب اعتراض نمیکنم یکی از آن اشخاصی که مؤرد احترام بنده هستند آقای د کتر معظمی است، آقای مکی هم در آن موقع عضو حزب ایران بودند بدلایلی که عرض میکنم (زنك رئیس)

رئیس - آقای مکی اگر شما بخواهید دفاع کنید من بشما اجازه میدهم اگر بیاناتی دارید مطابق ماده ۱۰۹ میتوانی حرف بزنید ولی حالا نظم را رعایت بفرمائید.

مشایخی - ... آقای مکی عضو حزب ایران بود، همان حزب ایرانی که بعداً رفت و با توده ایها ائتلاف کرد و با توده ایها همکاری کرد روزنامه حزب ایران، روزنامه جبهه بود، روزنامه های دیگر هم بود از کان این حزب و روزنامه های دست چپ را آقای مکی بر علیه بنده میآنگیختند و شروع بتخریکاتی کرد و باین بهم اکتفا نکرد توی شهرداری هم يك دسته از رؤسای ادارات شهرداری عضو حزب ایران بودند، رفقای هم مسلک خودش هم که عضو شهرداری بودند و اسم میرم کارهای حساس داشتند و ادار کرد به خرابکاری به عملیات منفی مهندس معتمد که گفت مهندس برق خوبی است ولی عضو حزب ایران بود بکمک ایشان بر خاستند مرا خراب کنند ... (یکی از نمایندگان - حزب ایران مقدس است) ... شروع کردند بیکمده تحریکات بر علیه بنده و این عملیات را ادامه دادند خوشبختانه با نظر ایشان بدبختانه میخواهم بگویم که با حسن مراقبت بنده در کار منوجه شدم اقدامات ایشان را خنثی کردم باید تذکر بدهم که چه شد آقای مکی هم بمعاونت شهرداری منصوب شد چهار نفر کاندید بودند وقتی که بمن مذاکره دشمن فکر کردم که آقای مکی مقدم هستند و ایشان يك نفر نویسنده است گفتم میباید در شهرداری بامن کمک میکنند و همکاری میکنند از نقطه نظر نویسندگی و تهیه طرحها و گزارشاتشان در شهرداری طهران لائق وجود ایشان برای بنده مفید میشود و مورد استفاده قرار میگیرد متأسفانه شروع کردند به سم پاشی و تحریک راجع بگزارشان هم بنده دیگر توضیحی عرض نمیکنم آقای مکی کم کم متوجه شدند که من مشغول کار خودم هستم و دیگر با ایشان کاری ندارم، ماند بیکار، چکار بکنند روزنامه نویس ها هم از آن طرفداری میکنند، منشاء اثر هم در شهرداری نمیتواند واقع بشود باید بروی دستم بدهد یا اینکه بیرونش میکنند، آقای مکی رفت استفاد ادولی اگر هم نرفت نمیتوانست با بنده کار بکند، بعد از رفتن از شهرداری روی همین جریان در تعقیب اقدامات و عملیات خودش در مدت ۱۰ ماه بانواع وسایل اذهان عمومی را نسبت بمن مشوب کرد این قدر صراحت داشت نسبت بمخالفت با بنده که در دو جلسه قبل که بنده مریض بودم و نیامده بودم آخر وقت که مجلس تمام میشد بنده رسیدم آقای مکی در مجلس وقتی که میخواستند تکلیف جلسه بعد را معین کنند عوض اینکه بگویند دستور جلسه آینده چیست فریاد میزد زودتر تکلیف اعتبار نامه مشایخی را تعیین کنید، این توی شهرداری نشسته و این چهار پنج روز تعطیلی هم چهار، پنجهزار تومان میزدند این قدر باصراحت ایشان در مخالفت با من مصر بودند و هستند و من شواهد و قرائن زیادی دارم باین که آقای مکی بامن مخالفت میکرد

و مخالفت هم میکنند نظر شخصی و بعضی دارد و بنده بطور نمونه عرض میکنم آقای حائری زاده فرمودند که من سوء شهرت دارم آقای مکی هم در همین اساس کلیات حرفشان دور میزد، سوء شهرتی که بمن نسبت میدهند بر اساس فرض ورزی آقای مکی است او متکی باننشارات برخی از روزنامه ها است انتشاراتی که در روزنامه های حزب ایران بتخریکات او و رفقایاش شده است انتشاراتی که در بعضی روزنامه های متوقع شده است روز نامه های متوقعی که توقعات نا مشروع آنها از شهرداری طهران انجا نشده است البته یکمده از روزنامه های طهران هست که مشی وقم آنها برای تنویر افکار عامه است مردمانی هستند متین و قلمی که در دست گرفته اند برای تنویر افکار عامه است (نورالدین امامی - آقا بجزایر توهین نکنید) ... اجازه بفرمائید آقا گفته شد تشریف میاورید اینجا صحبت میکنید توهین نیست حقیقت را دارم میگویم هشتاد تا روزنامه در طهران منتشر میشود بغیر از ده دوازده تایی آنها که روی اغراض چیزی نمی نویسند بقیه کدامشان چیز حساسی مینویسند؟ من از آن اشخاص هستم که طرفدار اختناق این قبیل مطبوعات هستم (نورالدین امامی - شما طرفدار خیلی چیزها هستید) آقایان وقتی که قلم بردارید در دست گرفته بایستی ملاحظه حیثیت و شرافت خانواده های این مملکت افراد این مملکت را بنمایند و محترم بشمارند، نویسندگان بایستی فقط و فقط بمنظور تنویر افکار اجتماعی قلم بردارند بگویند نه اینکه هر کس را بخواهند لجن مال بکنند و هر کس را بخواهند گل سرسید کنند، متأسفانه آقا جراید ما مانند یاره جراید ممالک مترقی که بامدارک و استدلال سرو کار دارند انجام وظیفه نمی کنند، ولی يك نکته هم هست که بنده بایستی عرض کنم و بنده میخواهم سؤال بکنم همان طور که چند روز نامه نسبت بمن بدگویی میکردند يك روزنامه های زیادی هم نسبت بکارهای شهرداری تریف و تعجید کردند چه شد که انتشارات مخالف دلیل سوء شهرت است ولی انتشارات موافق دلیل حسن شهرت نیست، اگر انتشارات مخالف را در این مملکت دلیل سوء شهرت حساب بکنید رئیس الوزراهای سابق، وزرای گذشته رجال بر جسته و کابینه هائی که در این مملکت روی کار آمدند و خدماتی کردند نسبت بهمه آنها توهین کردند بحر حوم فروغی توهین کردند مرحوم فروغی که یکی از شخصیت های مهم این مملکت و باعث افتخار این مملکت بود (نمایندگان - صحیح است) بایشان توهین کردند نسبت خیانت بمملکت دادند مگر بشخصیت های برجسته این مملکت نسبت های ناروا ندادند؟ اینها همه مگر درست بود؟ آقایان چند روزنامه وقتی تصمیم بگیرند هوبکنند، جنجال بکنند يك هائنه درست میکنند مطمئن باشید که شریف ترین عناصر را خراب میکنند مجلس شورای ملی باید متوجه این اعمال باشد روزنامه ها بایستی در سایه آزادی قلم حیثیت و شرافت افراد را حفظ کنند تا باین ترتیب حیثیت و شرافت اشخاص تأمین شده باشد بنده مدعی هستم حسن شهرت دارم نه سوء شهرت، اگر انتشاراتی که مستقیم و غیر مستقیم آقای مکی و رفقای ایشان بر علیه بنده داده اند از آنها بگذریم طبقات مختلف مردم شهر تهران از ده سال قبل تا اکنون باینده تماس داشته اند باینده آشنا هستند و همه بنده را می شناسند بنده حاضر برای

رفر اندام این موضوع میباشد زیرا بنده در تمام ادوار خدمت اداری همیشه مشاغل حساس داشته ام با توده و طبقات مختلف مردم اصناف، کسبه، بازرگانان تماس داشته ام و این طبقه از مردم از سرعت عمل از خیر - اندیشی، از بی نظری، از صحت عمل من راضی بوده اند و اینها را یکان یکان برای آقایان دلیل میآورم، آقای مکی ببنده نسبت عدم صلاحیت دادند، صلاحیت يك امری نیست که بشود بانظر شخصی خاصه با نظر اشخاص منفرض از کسی سلب کرد، بانظر اشخاص منفرضی باستناد انتشارات چند روزنامه اینکه خودشان معرک انتشار آنها بوده اند صلاحیت را نمی توان از اشخاص سلب کرد اگر صلاحیت يك امر قضائی است، سلب صلاحیت از کسی کردن دلیل میخواهد، برهان میخواهد، مدرک میخواهد، قانون انتخابات شرایط انتخاب کنندگان و شرایط انتخاب شوندگان را تعیین کرده است، سلب صلاحیت مطابق مواد قانون انتخابات معین شده است و باستناد آن مواد بایستی از شخص سلب صلاحیت بشود نه باین حرفها که برق شهر خاموش شد آقای نیک پور سه هزار تومان پول برقش را نداد و یا اینکه کارخانه ریسان رسی سمنان در فلانجا فلانکار را مثلا کرد، خیلی واقعاً متأسفم یا خوشوقتم نمیدانم چطور بیان کنم آقای مکی اگر يك چیزی در خراسان واقع شده باشد ککش میدهد و میچسباند بشهر داری طهران، این ها آقا موضوعات شخصی است، موضوعات اداری است، مملکت دستگاه رسیدگی دارد، دستگاه بازرسی دارد بازرس نخست وزیر می دارد این مقامات بایستی رسیدگی کنند اینجا چه ارتباطی با اعتبار نامه بنده دارد مگر با این حرفها میشود سلب صلاحیت از بنده نمود، مگر آقایان نایندگان محترم با این حرفها از کسی سلب صلاحیت میکنند من قین دارم آقایان، مردمان با شرافت، با حیثیت و با وجدانی هستند که در حدود قانون قضاوت میکنند این حرف ها چه ارتباطی با سلب صلاحیت از بنده دارد. آقای مکی نسبت سوء استفاده و غارتگری بنده دادند و با اینکه بنده غرض ورزی ایشان را بعرض آقایان نمایندگان رساندم توضیحاً عرض میکنم که شهردار در شهرداری چه تأثیری دارد و اگر بخواهد سوء استفاده بکند چطور میتواند و از کجا ها میتواند بکند کار شهرداری درست شهردار نیست و بالنتیجه در اختیار بنده هم نبوده، حل و فصل این نوع کار ها با دیگران است، شهرداری يك بودجه ای دارد این بودجه مطابق قانون باید بتصویب انجنمن شهر برسد در غیبت انجنمن شهر مطابق تصویب نامه ای که از هیئت وزیران صادر شده قائم مقام انجنمن شهر وزارت کشور است و این بودجه شهرداری بایستی بتصویب وزارت کشور برسد، در سال ۱۳۲۵ بودجه شهرداری تهران بتفصیل بتصویب وزارت کشور بقائم مقامی انجنمن شهر واصلاتاً از طرف خود وزارت کشور که بودجه اش را باید تصویب کند رسید، توی این بودجه چه نوشته است، توی این بودجه نوشته است فصل اول، حقوق پنج میلیون تومان، فصل دوم ساختمان پنج میلیون تومان، پنج میلیون تومان و يك قران اگر کسی از مواد بودجه تجاوز کند از ارقام بودجه تجاوز کند جرم است و بایستی او را مورد تعقیب قرار بدهند پس بودجه شهرداری طهران با تصویب وزارت کشور

است بودجه شهرداری طهران ابلاغ شد و فلما عرض میکنم که بودجه ساختن شهرداری طهران پنج میلیون تومان اسفالت بود، این ۵ میلیون تومان اسفالت چه جوری میشود همین جوری نیست که شهرداری طهران يك کسی را صدا بکند و بگوید که میخواهم پنج میلیون تومان قرارداد بکنم و بگویم که در صد کیسیون ویا ۵ درصد کیسیون بگیرم من در صد و پنج درصد کیسیون از اشخاص گرفته ام ؟ اینها چه حرفهایی است آیا این در اختیار من است ، خیر این طور نیست که شهرداری کسی را توی اطاق صدا بکند و بگوید آقا این مهندسین و متخصصین که دارد مطالعه میکند ، اسفالت طهران از نظر زیرسازی باید از این چه متریال باشد سنگها کدام باشد ، آهک باشد ، بدون زیرسازی باشد ، باز زیرسازی باشد بعد مراجع بروسازش اظهار نظر میکنند که فلان جایش هفت سانتیمتر باشد ، هشت سانتیمتر باشد بعد روی این کارو این عمل خودش اعلان منتشر میکند که میخواهم پنج میلیون تومان کار اسفالت بدهم ، شهردار امضاء میکند ، اعلان منتشر میشود ، برندگان مناقصه همگی مراجعه میکنند ، نمیروند توی اطاق شهردار ، نمیآیند بدفتر شهرداری ، نمیروند با اداره ساختمان ، بهیئت نظارت شهرداری مراجعه میکنند ، این يك هیئتی است که قانون آنرا برسمیت شناخته است این هیئت مرکب است از نماینده وزارت دارائی ، نماینده وزارت کشور ، نماینده وزارت دادگستری ، نماینده انجمن شهر ، نماینده شهرداری طهران پیشنها دات ، توی يك صندوق ریخته میشود در روز مقرر این پیشنهاد را بدون حضور شهردار این پاکتها را باز میکنند می بینند طبق اهلاناتی که اداره شهرداری منتشر کرده شرایط را کی واجد است ، و دیده را کی گذاشته است ، برنده را تشخیص میدهد و يك رایورتی بشهرداری طهران میدهد که هیئت نظارت شهرداری آقای مایر عبدالله مورد بحث را مطالعه کار شناخت ، چرا ایشان را مطالعه کار شناخت برای اینکه اساس واحد بهائی که تعیین کرده بودیم و اعلان مناقصه منتشر کرده بودیم این آقا از همه بیشتر تخفیف داده یکی آمده بیست درصد (۲۰٪) ، تخفیف داده ، یکی آمده ۲۵ درصد (۲۵٪) ، تخفیف داده ، اما بر اساس این شرایط مایر عبدالله آمده سی و پنج درصد (۳۵٪) تخفیف داده ، این برنده مناقصه است وقتی این گزارش را دادند میفرستند با اداره حقوقی شهرداری مشاورین قضائی شهرداری می بینند که تمام نکات قانونی رعایت شده یا نشده اگر رعایت قانون شده بود آنها يك گزارش میدهند بشهردار که عمل اداره ساختمان دایره انتشار اعلان و تشخیص هیئت نظارت مزینه طبق مقررات بوده و این شخص برنده مناقصه است شهردار مینویسد بر اساس جریانی که پیش آمده است موافقت میکنیم . با آقای مایر عبدالله بیمن معتمد شود ، از شما می پرسیم شهردار چه مداخله ای داشت ، آمدیم راجع به جریان کار ، این کار کی شروع شده است ، همین طوری که شهردار خودش نمیتواند يك عملی را انجام بدهد ، شهرداری طهران يك اداره ساختمان دارد همان مهندس شمس رئیس اداره ساختمان که دیروز مستند ایشان واقع شد رئیس اداره ساختمان شهرداری بود ، این

جوان متین اصیل درست لایق و درستکار خودشم وارد است تصدیق میکنم که عضو حزب ایران هم هست ، باشد این شخص مهندس را اعزام میکنند به سر کار گاهها و کارها را باز میدهند . گزارش میدهد تصدیق میکنم که طبق شرایط مقرر کار شد ، سیتواسیون تهیه میکنند میفرستند نزد شهردار و میگوید آقا این ملاحظه کار صد هزار تومان کار کرده است صد هزار تومان باین شخص بدهید شهردار حواله پرداخت میدهد ، بطور عمل در شهرداری اجرا میشود اگر بنا بشود که کارها خراب باشد و سوء استفاده بشود از آن باین باید شروع بشود ، بشود بشود تا این که بیاید بالا بشهردار برسد و آن کیسیون ۵ درصد تا ده درصد احتمالی که ایشان میگفتند مسموعاتشان بوده است باین کیفیت بین آن اشخاص که سازش کرده اند توزیع بشود شهردار مستقیماً نمیتواند دخالت بکند . من چرا مهندس شمس را سر کار نگه داشتم برای همین موضوع که امروز بر این جواب بدهم ، هر چه صاحب منصبان شهرداری که عضو حزب ایران بودند از سر کار بر داشتیم ولی ایشان یعنی مهندس شمس را نگه داشتم . برای چه ؟ برای این که ۵ میلیون تومان ۶ میلیون تومان باید در آنجا خرج شود يك مخالف مسلکی سیاسی خودم را گذاشتم يك نظری داشتم میخواستم اون نظرات بکنم ، دقت بکنم و کنترل بکنم تا اینکه مطمئن باشم اگر يك چیزهایی از شما پیدا کرده بودند از فلان اشخاص ، از فلان دستگاه آن وقت معلوم میشد ، عرض میشود که اشاره ای کردند که آقای محمودی مستنطق دیوان کبیر در زمان تصدی بنده در شهرداری نسبت بدو موضوع اعلام جرم کرده و آقای موسوی زاده ایشان را از بست خود برکنار کرد خوب یکی از موضوعاتی که باید پاسخ بدهم این است که عرض میکنم بنده يك روزی در اطاقم نشسته بودم دیدم آقای محمودی مستنطق دیوان کبیر يك اظهاریه برای من فرستاده اند و مرا احضار کرده اند يك حکم هم ضمیمه اش کرده بودند که آن هم حکم جلب حشمتی مدیر کل مالی شهرداری بود این کاغذها را که دیدم تعجب کردم که چه خبر است چطور شده است که آقای حشمتی را که مدیر کل شهرداری است و رفته توقیفی را صادر کرده اند و مرا هم احضار کرده اند رفتم ببینم که چه شده است که این عمل با این صورت پیش آمده است ایشان گفت آقای ابتهاج موقعی که شهردار بود بدستور آقای صدر - الاشراف نخست وزیر وقت از بول شهرداری تهران چون بایول شهرداری بدستور رئیس الوزراه خریده این عمل جرم است و تصرف غیر قانونی است گفتیم که این عمل چه ارتباطی بین دارد گفت تو هم از موقعی که شهردار شدی مأمور فرستادی بخانقین که از خانقین تاطهران که این قیرها سر راه ریخته بود دستور جمع آوری این قیرها را دادی و گفتی حمل بکنند و این کار تصرف غیر قانونی است مضافاً باین که سی هزار تومان را هم تو داده ای این عمل جرم است ، استدلال فوق العاده متینی بود واقعاً قابل توجه بود ؛ بنده فکر کردم که عجب دوستان هزار ریال بول شهرداری دوسال توی این بیابان

از مستشاران تمیز باشد از صاحب منصبان قضائی دولت باشد آقای نخست وزیر از جناب آقای دکتر شفق خواهش کردند يك کمیسیونی را تعیین کردند زیر نظر ایشان تشریف بیاورند رسیدگی بکنند خودم شخصاً چندین مرتبه در حضور ایشان تفسی کردم که تشریف بیاورید رسیدگی کنید کمیسیون را دعوت بفرمائید بیایند ، نشد یا گرفتاری داشتند یا بعداً تشریف خواهند آورد بنده که باین استدهای خودم باقی هستم ولی که نکرده روزنامه آتش می اعلام جرم میکنم . پاسخ هم بدهش دادم که بایستی مطابق قانون مطبوعات درج کند آن کار را هم نکرده بروز نامه دیگر هم دادم آنها هم از درج خودداری کردند چکار کردم روز رژه حزبی در شهرداری آقای بشیر فرهنگ مدعی العموم دیوان کبیر آنجا بود آقای بشیر فرهنگ گفتیم این روزنامه این دارو دسته که اعلام جرم برای من کردند آبروی من را بردند لجن مالم کردند جواب هم که می دهم توی روزنامه درج نمیکند تقاضای صلاحیت دار هستی صحیح است که اعلام جرم باید مستند به مدرک و دلیل باشد ولی از شما خواهش میکنم که رسیدگی کنید اصرار کردم که باین موضوع ختمه بدهید آقای محمودی مستنطق دیوان کبیر آقای مدعی العموم دیوان کبیر آقای مجلسی مستنطق را بنا بدستخواست بنده و استدهای بنده مصرانه از دولت فرستاد به شهر داری که ایشان بیاید و با اعلام جرمهایی که شده است رسیدگی کند آقای مدیر روزنامه آتش گفتمی دانم چطور شد فرمانداری نظامی توقیفش کرد نوشت که من توقیفم ومن حاضر در صورتی که نتوانستم ثابت کنم صد هزار تومان به بنگاههای خیریه بدهم وثابت میکنم که تمام اعلام جرمهاییکه بر علیه مشایخی شده است صحیح است حاشیه اش جناب آقای نخست وزیر نوشتند جناب آقای وزیر دادگستری این شخص را از بازداشتگاه بخواهید مدعی العموم دیوان کبیر باظهارات او رسیدگی کند دلایل و مدارک را مورد توجه قرار بدهید . با تمام توجه بقوانین و مقررات مملکت باید هر کس خیانتی کرده باشد به مجازات برسد ، آقای مدیر روزنامه آتش اظهار کردند که چون آزادی عمل لازم است دستور بفرمائید آزاد باشم ایشان اتومبیل خودشان را سوار شدند و آمدند توی شهرداری بتمام اطاقهای شهرداری رفتند گفتند ، کنکاش کردند ، توی یک دستگاه شهرداری دو هزار نفر عضو هم تصدیق میفرمائید که ناراضی زیاد است رفتند گفتند دلیل بده ، مدرک بده ، دلیل اگر بدست نیاید مزینم خورد میکنم از بین میریم یک هفته گذشت کوچکترین سندی نتوانست ابراز کند و تا این ساعتی که در حضور آقایان استفاده ... آقایان مطابق قانون مدعی العموم دیوان کبیر وقتی يك كسیرا متهم شناخت و مجرم تشخیص داد سؤال اولش این است که میگوید آقا اسم خودتان را باین کن اعلام میکنم که آقا اسم خودتان را بیان کنید ولی در این حال بنده از اول عمرم تا بحال بدیوان کبیر احضار نشده ام در این موضوع بخصوص با تمام مواد قانون مجازات که آنروز گفتند ۲۴ ماده است ۲۴ ماده فرض کنید ، مدعی العموم دیوان

کبیر کوچکترین فریبه ای برای احضار من بدست نیاورده بنده در این موضوعات بیشتر توضیح میدهم حالا وارد بیان خودم میشوم و از اول دفاع خودم را در جواب آقای حائری زاده شروع میکنم ، آقای حائری زاده گرچه لیاقت و شایستگی بنده را تقدیر کردند و بنده در این قسمت از ایشان تشکر میکنم و با اینکه فرمودند ایشان عضو لایقی است عضو مفیدی است با این حال بنده را صالح برای نمایندگی ندانستند ، خیلی معذرت میخواهم همان طوری که در مقدمه هرايض عرض کردم من عادتى با سائله ادب ندارم و با کمال تأدب و نزاکت با همه کس رفتار میکنم خصوصاً با آقای حائری زاده که ایشان را یکی از شخصیت های خوب میدانم ارادت شخصی هم بهشان داشتم از سابق هم آشنائی دارم ولی اگر ناچار بشوم که يك حقایق را بگویم امیدوار هستم که بسم رفقای ایشان و طرفداران ایشان تصور نشود که منظور از جملات من اسائه ادب است و بالاخره فقط و فقط منظور دفاع من است ، آقای حائری زاده گفتند که من آدم گمنامی بودم و کسی مرا نمیشناخت و حتی فرمودند من موقعی که بشهرداری تهران مأمور شدم پرسیدند که این مهدی مشایخی کیست بنده فقط میخواهم يك یاد آوری بهشان بکنم فراموش فرمودند که در دوره ۱۴ انتخابات مجلس شورای ملی جنابالی و چند نفر از آقایان نماینده آن که در همین مجلس شورای ملی هستند جناب آقای ملك الشراء بهار آقای دکتر آشتیانی زاده و بنده در منزل جناب اشرف آقای قوام السلطنه يك جلساتی داشتیم برای کار انتخابات دوره ۱۴ که همه مان موفق نشدیم ، شا چطور مرانی شناسید ؟ در آن جلسات برای تحصیل رأی تهیه زمينه فعاليت های انتخاباتی بیشتر از ده جلسه ۱۲ جلسه از ساعت ۴ تا ساعت ۸ بعد از ظهر با همدیگر صحبت میکردیم همین دکتر آشتیانی دعوتی کرد رفتم آنجا ، منزل خود آقا آمدیم با این حال شما وقتی که من آمدم بشهرداری و شهردار تهران شد گفتید این مهدی مشایخی کیست ؟ مرا نمیشناختید ؟ (خنده حضار) (زنك رئیس) آقای مرآت اسفندیاری فرمودند که اسمی و کلاهی که تقاضا داشتند بفرمائید ، خواهم گفت عرض میشود که بهر حال بنده آقا در انتخابات دوره چهاردهم با همکاری آقای حائری زاده ۱۸۰ رأی داشتم چطور من آدم گمنامی بودم گویند آمدم شهردار شدم مرانی شناختید از امضای بنده هزار شاید دوهزار امضاء در مسائل مختلفه در دست مردم است در همین بلوک قاروقشاقویه حضرت عبدالعظیم رئیس ثبت اسناد بودم دوست قریه قشاقویه است هشتاد قریه خوار دارد سه هزار تا خانه شاه عبدالعظیم دارد ، اینقدر اعلان با مضای مهدی مشایخی بدر و دیوار از ۱۵ سال قبل منتشر شده است ، در انتخابات انجمن شهر دوره قبل شهر تهران ، این دفعه که انجمن نداشتیم ، در انتخابات انجمن شهر تهران جناب آقای حائری زاده من و شما دو نفر آشنائی و د کتر واتی رفیقان دهنر دوازده نفر که با یکدیگر میخواستیم عضو انجمن شهر تهران بشویم من در آنجا بانداشتم رهیت ، بانداشتم کارگر ، بانداشتم رأی من نفر دهم شدم و شما نفر ششم ، شما مرا نمی شناختید ؟ بامن همکاری سیاسی داشتید . ساعتی

کشهردار تهران شدم جنابالی بنده را نمی شناختید؟ بسامه تان خیلی سنگین آمد ؟ اینقدر آدم گمنامی بودم ؟ بعلاوه بنده آقا شهرت اجتماعی داشتم منتهی بعضیها معتمدند که من سه شهرت داشتم . من تصدیق میکنم که مخالف دارم ، مدعی دارم مدعی هم دارد سم باشی میکنم ، آدم که مؤثر واقع میشود برای غیر مفید را برایش حرف نمی زنند برایش سپاشی نمیکند البته شهرت مرا تصدیق میکنند ولی بیخشیه که تشبیهی که من میخواهم بگویم وجه شبهی ندارد خودم کوچکم قابل مقایسه نیستم ولی شما میگویم اغلب شخصیت های بزرگ دنیا مردمان گمنامی بودند اغلب مخترعین بزرگ دنیا مردمانی بودند که کفرا ابتدا شخصیتی نداشتند ، ادیسون مخترع برق یک نفر روزنامه فروش بود اینقدر روزنامه خواند تا اینکه گرفت مخترع شد مگر گمنام بودن یا از قایل کوچک شروع کردن جرم است خیلی از آقایانی هم که در مجلس شورای ملی بوده اند از خانواده های بزرگ نبودند و آمدند در این جا نشینند همانطوریکه فرمودند زهی افتخار من که بالاخره بقول آقا گمنام باشم بنده همانطور که دیروز خدمت آقا گفتم خانواده ام اهل علم و فضل بودند پدر من تاجر درجه اول بود مع الوصف من نمیگویم که پدر من کی بود . گیم پدر تو بود فاضل - از فضل پدر ترا چه حاصل ، پدر من هیچکس نبود ، من يك جوانی بودم در سن ۱۴ سالگی شروع تحصیل کردم با همین آقای مهندس رضوی مدرسه آلیانس را طی کردم بعد آمدم دوره متوسطه را طی کردم بعد کلاس ثبت اسناد را دیدم بعد کلاس قضائی را دیدم بعد کلاس عالی مالی را دیدم . کلاس عالی مالی معادل لیسانس شناخته شده تمام این ها بموجب قانون برسمیت شناخته شد ، پس بی سواد نبودم ، ولگرد نبودم در تمام مدت خدمت جان کندم در تمام مدت تحصیل هم کار کردم ، هم کس کردم ، هم تحصیل کردم (نورالدین امامی - ادیسون ایران شدید) (خنده حضار) عرض میشود که مملکت ما (آقا) (بله دیک بله چندر)

رئیس - مجلس شورای ملی جای تفریح نیست آقا نظم مجلس را حفظ کنید .

حاذقی - بگذارید دفاع خودشان را بکنند ، اگر چه محکوم باصنام هم باشند باید دفاع خود را بکنند .

رئیس - حفظ حیثیت مجلس را رعایت بکنند نظم مجلس بعهده بنده است .

مشایخی - بله مقصودم این بود که آقایان شخصیت های بزرگ دنیا اشخاصی که يك نبوغی داشتند اشخاصی که يك کارهای مورتی انجام دادند کارهای مورتی برای يك مملکت ، قاره یا نقطه کردند اغلب اینها از خانواده های کوچک بودند ، نادر شاه پسر يك پوستین دوز بود آبراهام لیبتکن رئیس جمهوری امریکا کی بود ؟ چرا میگوید گمنام بودن جرم است ، گمنام بودن که جرم نیست ، خوشنام بودن معروفیت داشتم زحمت کشیدم و آمدم اینجا .

رئیس - وارد بحث دیگر نشوید .

مشایخی - چشم عرض میشود که بنده میخواستم از این موضوع گمنام بودن یا عدم گمنام بودن يك تشبیه ای بگیرم که خیلی در موضوع طرز انتخابات بنده در قاروقشاقویه مؤثر واقع شده است

چطور شد هیچکس از آقایان به نحو انتخابات بنده اعتراض نکردند و به صلاحیت من اعتراض نکردند، بنده در غار و فشافویه همانطور که عرض کردم ۱۰ سال قبل رئیس ثبت اسناد بودم ۶ ماه قبل از جریان انتخابات کمیته مرکزی حزب دمکرات ایران که آقای حائری زاده عضو آن کمیته بودند صلاحیت من را تصدیق کردند کاندیدا بودن من را تصدیق کردند و با همای ایشان و با مضای سایر رفقای ایشان من را برای فارو فشافویه کاندیدا کردند و با نظر رؤسای حزب دمکرات ایران کاندید شدم که برو به غار و فشا فویه چطور شد در ۶ ماه پیش صالح بودم و حالا غیر صالح ، با مضای خود ایشان بنده رفتم به غار و فشا فویه و انتخاب شدم . نحوه عملم چه بود ؟ یک روزی با همین آقای اسدی میخواستیم برویم به زیارت حضرت عبدالعظیم در وسط راه با سدی گفتم این مردمی که دارند میآیند بمن رأی میدهند. گفت مسخره بازی را بگذار کنار یک جهت دیگری برای انتخاب شدن لازم است گفتم صد کن سؤال کن این ها را با این ما را میشناسند یا نمیشناسند. اتومبیل رانگه داشت یک چهار یا دارا صدا کرد و گفت یکی رأی میدهم سرش را کرد توی اتومبیل گفت به این مشایخی گفت چرا ، گفت برای این که با خدمت میکنند ۱۰ سال قبل که رئیس ثبت بودم در موقع دادن سند مالکیت منشاء انتخابی خودم را در ۱۰ سال قبل کردم بعد آدم کاندید غار و فشافویه شدم هر روز پدهات غار و فشافویه رفتم ، اگر آقایان میدانند فعالیتی که من کردم هیچکس نکرد ، آقای دکتر امینی شما انجام ملک دارید بفرمائید اینطور است یا خیر ؟ شش ماه در حوزة غار و فشافویه فعالیت کردم از یک پچه ده ساله تا یک پیر مرد شصت ساله را دیدم شخصاً آنها را کرده کردم تبلیغ کردم پروپاگاندا کردم ، صریحاً میگویم از تهران حتی یک نفر هم برای پشتیبانی من نیامد با آزادی عمل آمدند دوازده هزار رأی در صندوق برای بنده ریختند ، چرا برای اینکه از همان روزی که کاندید شدم بهشان خدمت کردم بودجه شهرداری شهر در سال هفتاد هزار تومان بود ولی الان که در حضور آقایان استفاده ام یک میلیون تومان در آمد شهرداری شهری است چطور شده اینطور شد ۴۰ سال مشروطیت و دمکراسی است چطور شد که این محل هفتاد هزار تومان درآمد داشت و یک مرتبه یک میلیون تومان بالغ گردید ؟ همانطور که عرض کردم چون من بسوابق کار و فراهم کردن یک هواییدی آشنا بودم و نحوه ازدیاد درآمد یک شهرستانی را میدانستم چه بکنم باید عوارض درست کرد عوارضی که قابل حمل هم باشد آمد یک عوارضی پیشنهاد کردم که مورد اعتراض جناب آقا امینی هم وارد شد گفتم از محصول کارخانه قند که بزرگ که بطور بازرگانی فروخته میشود از هر کیلو قند دو ریال بفتح شهرداری شهر ری گرفته شود دلیلش چه بود که چون چغندر ش مال غار و فشا فویه است قدش را حالا بندر عباس میخورد بخورد و چون مرکز شهرداری اینجا است باید مالیات بدهند همچنین از سیمان که در تمام کشور مصرف میشود . . . حالا آقای دکتر معظمی بفرمائید گلبایگانی چه گناهی دارد که شما میخواهد سد بسازید من مالیاتش را بدهم آدم گفتم از محصول کارخانه سیمان که در تمام کشور مصرف میشود از هر کیسه ای دو ریال بگیرند . در آمد شهرداری

مطابق قانونی که در دست اقدام است این است که هر مؤدی مالیاتی علاوه بر این که بایستی مالیاتش را بدهد ده در صد هم بعنوان سود شهرداری بدهد این را شهرداری نمیدانند و چندانکه دیگر هم بهشان اضافه کردم رفتم کلر خانه برق آنجا را درست کردم رفتم خیابانهای آنجا را اسفالت کردم چاهی که نیمه تمام بود و آب نداشت بوسیله تلمبه از آن آب خارج کردم و الان در خود شهر ری آب جاری است بیشتر از مردم و رعایای آنجا بن علاقه دارند و لذا نحوه انتخابات اینطور بوده و خودم را تحمیل بدیگران نکردم ، پروپاگاندا و نحوه عمل اینطور بوده است. مقصودم این بود که با این گفتمانیها بالاخره بنده در دوره یازدهم مجلس شورای ملی وکیل شدم حالا وارد این موضوع نمیشوم که اشخاص دیگر هم رفتی در حوزة انتخابات خودشان داشته اند یا خیر ؟ اول کاندید کجا بودند و بعداً کاندید کجا شدند ، چند جا رفتند و مردم قبولشان نکردند ، این موضوع را در موقع خودش ، در موقع انتخابات هر کس در فصل خودش خواهم گفت هفت هشتایش را تحقیقات کردم نگفتم اما بقیه را در موقع اعتراض صحبت خواهم کرد مطلب خودم را خواهم گفت ، به آقای حائری زاده گفتم من در کلاس ثبت اسناد بودم چیزی نداشتم راجع باینکه گفتند من چیزی نداشتم اول آدم آقا باید خیلی بلند نظر باشم معلومم داشته باشد بطور کلی من در مملکتان متمول نمی بینم ، با مذاکرانی که در اطراف وضع تمول ملل خارجی میشود ممکنست مملکت تا پنجاه شصت نفر سرمایه دار مختصری داشته باشد آنها را هم متمول بمعنای واقعی نمیشود گفت ، اما این مملکت آنقدر وسیله تحصیل در آمد درش سهل و آسان است که اشخاصی که مختصر استمدادی داشته باشند خیلی زود میتوانند سرمایه دار شوند (صحیح است) منابع تحصیل در آمد در این مملکت لاتعمد ولا تخصی است ابتکار میخواهد نسبون میخواهد ، ج ات میخواهد بشتکار میخواهد سی و هشت سال از عمرم میگذرد از ۱۴ سالگی پدرم مرحوم شد از چهارده سالگی تاسی و هشت سالگی ۲۴ سال جز موارد ناخوشی کار کردم، کار شروع کردم صورت حسابش را تقدیم مقام ریاست خواهم کرد ، بیک خانه پیدا کردن ، بیک زندگانی مختصر پیدا کردن که اینقدر نیابستی توجه کرد که آقا فلان شخص چرا یک خانه دارد دو دست هزار تومان قیمت دارد فلانکس چرا این زندگانی را دارد ، بنده از خدا میخواهم که تمام افراد این مملکت مستغنی باشند هر فردی از افراد مملکت آنقدر غنی و تمول داشته باشند که بالاخره برای تحصیل در آمدش دیگر فعالیت لازم نداشته باشد که بگدا یک مرتبه بیست تومان بدهد این یعنی چه؟ این شخص یک خانه دارد؟ بنده آقایان حاضریم که صورت حساب زندگی خود را از روز تولد تا حالا بدهم ، اما بدیگران هم باید بدهند . حساب زندگی دادن آسان است بنده یک فردی نیستم که بالاخره در خدمات دولتی در تونوکی سوه استفاده کرده باشم چرا؟ راه پول پیدا کردن را از روز شروع بکار بدهم ، کسی از خدمات دولتی سوه استفاده میکند که از طریق عادی میتواند پول تهیه کند ، حالا که من از بیست این میز بروم پائین یک نفر

قوام السلطنه مملکت را درست گرفت کسی جرأت نداشت از خانه اش بیرون بیاید ، مردم نفسشان در سینه هایشان حبس شده بود و همه مایوس بودند ، محروم بودند ، سرمایه دارها سرمایه های خود را انتقال میدادند توی همین مجلس مکرر میگفتند چطور خواهد شد ، فرار میکردند ، با یک امید بی تمام معنی در سراسر مملکت مستولی شده بود ، در یک چنین موقعی آمد زمام قوام السلطنه ارادت دارم از این نقطه نظر است و تصور میکنم تمام ارادتمندان ایشان از این نظر و از لحاظ اینکه خدمت گرانهائی این مرد در آن موقع بحرانی در آن موقع فوق العاده باین کشور انجام داده است همیشه ارادت دارند ، ارادتمندی جرم نیست اطلاق نو کوری ، نسبت نو کوری بکسی دادن بنظر من بر خلاف نزاکت و ادب سیاسی است ، کجا نو کوری کردم ، من ارادتمند با وفائی هستم ، مثل بعضی از اشخاصی که خرشان از بل بگذرد کسرا نشانند نیست من با وفا هستم بی وفا نیستم میل دارم که من نو کوری باشم ؟ این مرد دست مرا گرفت آورد شهردار طهران کرد ، نو کور آن کسی باید باشم ارادتمند آن کسی باید باشم که به منم بکشورم به مملکت خدمت گزار است من معتقد بآن شخص هستم ، ۱۷ ماه با تمام سم باشیها با تمام مخالفتها مقاومت کرد ، مبارزه کرد چون تشخیص داد که باو خیانت نمیکند ، مرا حفظ کرد میخواستید ارادتمند نباشم ؟ اگر نباشم مجرم هستم ولی آقایان بنده یک شخصیت سیاسی این مملکت هستم ، آزادی فکر دارم ، آزادی عقیده دارم ، آزادی قلم دارم ، تحت تأثیر هیچ نفوذ و قدرتی هم واقع نمیشوم ، مصالح کشور را هم از نظر دور ندارم ، بقوام السلطنه هم ارادت دارم برای اینکه او هم نسبت به مملکت یک مرد مین پرست ، علاقه مند باین وطن است ، علاقه مند بعمران و آبادی کشور است اینک جرم نشد چون مشایخی به قوام السلطنه ارادت دارد طردش میکنیم ، آقای حائری زاده پسرده از روی حقایق بر داشت همین جائی که الان جلوس فرموده اند موقعی که اعتبار نامه من مطرح شد یکی از آقایان گفت که حائری زاده با اعتبارنامه تو مخالفت خواهد کرد گفتم چرا؟ گفت آقای امینی مراجه کنید و بایشان بگویند با او صحبت کند ، از آقای امینی اسفندیاری خواهش کردم که آقا صحبت کنید با ایشان مخالفت با اعتبارنامه خود را بدانم ، آقای امینی رفتند بیرون ایشان بنده گفتمند (در این موقع ناطق بالهجه یزدی صحبت کرد) تو جوان فعالی هستی ولی چون من بتوارادت دارم ... (خنده حضار)

از نمایندگان - کجایش جنبه سیاسی است ؟ من کوچکتر از آن هستم که شما در اطراف من اینقدر بحث کنید دو جلسه ونیم است دارم صحبت میکنم در حال حال اگر ارادتمند بودن بیک مرد وطن پرست جرم است ؟ من مفتخرم که باین جرم مرا از مجلس بیرون کنید . ایشان گفتند ، یکی از موضوعاتی را که تذکر دادند این است که نمی دانند من از ثبت اسناد و مالیه خودم رفتم یا اینکه بیرونم کردند . بنده همانطور که عرض کردم وقتی که در زمان مرحوم داود وارد کار رسمی شدم رتبه ام دو بود در یک ادواری هم که جناب آقای دکتر متین دفتری در وزارت دادگستری بودند یک مدتی وزارت دادگستری بودم در رتبه ۲ و ۳ و ۴ همیشه من یک مشاغل داشتم که حکم رتبه را داشته است حق الکفاله و حق مقام هم می گرفتیم (امامی - حالا هم همینطور است) و هیچوقت هم جرمی نداشتم ، تقصیری نداشتم ، توبیخ نامه نداشتم ، نه تنها جرمی ، تقصیری نداشتم بلکه همیشه مورد تقدیر زمامداران وقت بودم . در طول تمام مدت خدمت من به تقدیر نامه صادر شده است ، یک تقدیر نامه دارم با مضای آقای صالح وزیر دادگستری یک تقدیر نامه ای دارم با مضای آقای فروهر یک تقدیر نامه دارم با مضای آقای پیرا اگر اجازه بفرمائید هر سه را برایتان بخوانم (اقبال - خواندنش از منی ندارد) در این صورت به بیند چطور دشمن برای شخص پیدا میشود ، یکی در سال ۱۶ و دیگری در سال ۱۷ سومی هم در سال ۱۳۱۸ ، دهر سه میگویند چون خدمات تو در وضع مالی کشور در حدود مأموریتی کدا تا اید مؤثر واقع شده است و در آمد سرشاری بودجه دولت اضافه نموده اید علیهذا بیاس خدماتی که در این راه انجام داده اید خدمات شاق قابل تقدیر است آخرش هم می نویسد رونوشت این نامه ب اداره کارگزینی ارسال تا در پرونده مربوطه بایگانی شود و یک چک بمقدار فلان مبلغ بعنوان پاداش خدمات شما داده میشود . ملاحظه بفرمائید آقای رئیس (در این موقع تقدیر نامه های خود را تقدیم مقام ریاست نمودند) اینها را نشان دادم تا معلوم بشود که مرا از خدمات دولتی هیچوقت بیرون نکرده اند ، دوسیه هست ، پرونده هست ، مستندات هست و گواه بر این است که مرا هیچوقت از ادارات دولتی بیرون نکرده اند آقای حائری زاده یک نکته قانونی قابل توجهی پیدا کردند و تذکر دادند که تا یک حدی افکار عمومی را متوجه خودشان کردند و آن این است که ایشان گفتند وکیل باید معروف بامانت و درست باشد و تلویحاً گفتند که من دارای امانت و درست نیستم . من سؤال میکنم که آیا انتشارات مفروضه چند روزنامه که از تحریک بعضی از اشخاص مفرض کفرض آنها نسبت ببنده مجر زاست آیا دلیل عدم امانت و نادرستی میشود ؟ برای این که معلوم شود که کسی معروف بامانت است یا خیر بایستی بافکار و نظر کسانی مراجعه شود که بآن اشخاص تماس مالی داشته باشد از طبقات ککشور و بازرگانان و عموماً اشخاصی که تماس باهم در زندگان بیدامی کنند نظر خواست که در ظرف مدت هجده سال خدمات اداری من که باینده مواجه شده اند چه طور بوده است ؟ باید از معزاکم صالحه یا از مسئول ادارات وزارت خانه ها استعلام کرد که آیا خدمت کرده ام یا خیانت ؟ اگر کسی برق خواست

ندادم اگر کسی زمین خواست ندادم اگر تو قعات نامشروع داشت انجام ندادم و باین مناسبت انبشاراتی بناحق بر علیه من دادند . این که دلیل عدم معروفیت و عدم امانت من نمیشود بنده از ده سال قبل در شرکتهای سهامی طهران تأثیر داشتم قانون تجارت میگوید : شرکتهای سهامی بوسیله هیئت مدیره اداره میشوند که آن هیئت مدیره منتخب صاحبان خودشان را بدست کسی خواهند سپرد که امین باشد بدست یک آدم نا امین بدست یک آدم خائن کسی مال خودش را نمیسپارد . مدیر شرکت حق هر گونه تصرفات در اموال و دارائی شرکت دارد ، آدم غیر امین را آورد بهش نمیدهند که ببرد آسباب . رئیس - آقای مشایخی شما باز هم دفاع زیادی دارید ؟ (مشایخی خیر) چون ده دقیقه تنفس خواسته شده است . بعضی از نمایندگان - تنفس نمیخواهد . مشایخی - فصل آقای حائری زاده را تمام کنم بعد . حائقی - خسته نیستم . رئیس - بسیار خوب ، بفرمائید . مشایخی - عرض کنم گفتند که من هر دو بدم امانت هستم ولی من با این مقدمه میخواهم بگویم و ثابت کنم که امین هستم ، آقای نصرت الملک ملکی خاطرشان هست در دوازده سال قبل یک شرکت کل خشکباری بود که آقای بوداغبان پدر آقای بوداغبان حاضر مدیر آن شرکت بود بایک سرمایه عظیم که متعلق بتمام سرمایه دارهای طهران بود بیکمده زیادی سهام داشت ، من در ۱۰ سال قبل که رتبه دو ثبت اسناد داشتم بازرس هیئت مدیره بودم و ماهیانه ۴۰۰ تومان هم حقوق میگرفتم چطور شد که در ۱۰ سال قبل بازرسی هیئت مدیره شرکتی را بین سیردند ، جناب آقای معقانی شما بازرس شرکت تلفون هستید من ۵ دوره است که عضو هیئت مدیره هستم ، آقای هاشم وکیل شاهم هستید شرکت تلفون هزار نفر صاحب سهام دارد سرمایه اش سه میلیون تومان است با این ماشین آلاتی که خریده اند و وارد میشود سرمایه اش بیست میلیون تومان است عضویت هیئت مدیره آن با من است . باز من آدم امینی نیستم ؟ بمن معتمد هستند . شش شرکت دیگر هم هست سهمیه هم ندارم سهم هم ندارم چطور شده است که بنده را انتخاب کرده اند بیکسسته از اشخاص هستند که بمن معتمدند بآنها خدمتگزاری کردم یک خدماتی که بمن رجوع کردند ثبات قدم نشان دادم وفاداری نشان دادم از عهد انجام آن برآمدم یک حقوقی بمن دادند ، بنده نا امین هستم ؟ هیئت مدیره شرکت تلفون بعضویت ۸ نفر است جناب آقای معقانی وزیر دادگستری سابق یکی از اشخاص برجسته مملکت و وکیل معتمد هستند یکی از اشخاصی که مملکت بوجودیت او افتخار میکند بسمت بازرسی شرکت تلفون انتخابش کردند ، هزار نفر صاحب سهم بایشان رای داده اند همان هزار نفر هم بمن رای دادند نماز هم من نا امینم ؟ باز هم من صلاحیت ندارم ؟ نمیگویم مثل شرکت های دیگر مثل شرکت چوب طهران خواستم دوسه نمونه از شرکتهای مهمی که در تهران تشکیل شده است تذکر بدهم واجمالاً میگویم اعتراضاتی که

آقای حائری زاده بن کرد چند قسمت بود که هر کدام را یکی بعد از دیگری پاسخ دادم و این نحوه اعتراضات برای رسیدگی به صلاحیت انتخابی یکنفر جوان طرح در مجلس بنظر من مخالف با حیثیت و شئون مجلس شورای ملی خواهد بود ، اعتراض صلاحیت یک نماینده باید مستند بمدارک و دلایل قویه طبق قانون انتخابات مجلس شورای ملی باشد نه اینکه بگوید چرا کلاس ثبت اسناد رفته خوانده ، من اعتراضاتم را در این جا خاتمه میدهم و اگر آقایان میل داشته باشند بعد از تنفس بقیه عرایضم را در جواب آقای مکی برض برسانم .

جمعی از نمایندگان - تنفس بدمید .
جمعی دیگر از نمایندگان - تنفس لزومی ندارد .

رئیس - پیشنهادی رسیده است فرائت میشود پیشنهاد آقای دکتر شفق

بماوقت مقام ریاست و آقای مشایخی پیشنهاد ده دقیقه تنفس میشود .

آشتیانی زاده - بنده مخالفم .

رئیس - آقای دکتر شفق توضیحی ندارید ؟

اردلان - بنده مخالفم .

رئیس - اول آقای مکی اجازه خواسته اند مکی - بنده مخالفم ، پیشنهاد دهنده توضیحی نمی دهد ؟

رئیس - خیر توضیحی ندارد ، بفرمائید .

مکی - مخالفت من از این لحاظ است که این اولین مرتبه ای نیست که بیک اعتبارنامه اعتراض شده باشد و بیجلسات متعدد کشیده باشد و این که ایشان گفته که من از لحاظ موضوع سیاسی باعتبار نامه ایشان مخالفت کردم .

(جمعی از نمایندگان - گذشته دیگر) . در اعتبارنامه بنده بایستی جواب بدهم .

رئیس - اگر آقایان اجازه بفرمایند بیست دقیقه دیگر بر میگرددیم ، اگر مخالفی هست رای بگیریم .

مشایخی - مدافعات بنده راجع به دفاع اعتراض آقای مکی تصور میکنم یکساعت وقت لازم داشته باشد .

اگر آقایان مایل هستند ، خسته نیستند توضیح بدهم اگر خسته هستند پیشنهاد میکنم ساعت ۴ بمدازظهر جلسه باشد .

رئیس - آقای دکتر شفق توضیحی حالا دیگر دارید ؟ رای بگیریم (اکثریت نیست)

جمعی از نمایندگان - ده دقیقه تنفس

رئیس - بنا بر این ده دقیقه تنفس داده میشود (نیم ساعت پیش از ظهر مجلس بعنوان تنفس تعطیل و پس از بیست و پنج دقیقه مجدداً تشکیل گردید) .

رئیس - آقای مشایخی بفرمائید .

مشایخی - عرض میکنم بنده امروز که آمدم مجلس کسالت داشتم ، تب داشتم و الان هم اگر آقایان میل داشته باشند که معزز بشود که من تب دارم پزشک قانونی مجلس مرا معاینه بکنند ممکن است که در بین صحبت کردن آدمیکه تب دارد یک قدر هم هدیان بگوید ، بنده در بین مطالبم اگر یک

جملاتی ادا کردم که بسم آقایان خوب نیامدوشونات و حیثیات مجلس شورای ملی را آنطوریکه باید نتوانستم حفظ کنم البته این از نقطه نظر ضعف قدرت کلام است و اگر فردی از افراد نمایندگان سوء عبارتی گفتم که تأثیری در ماهیت دفاع من نداشته و از منظور و مقصود دور بوده معذرت میخواهم و از جناب آقای حائری زاده معذرت میخواهم واستدعا میکنم هفو بفرمائید . عرض کنم که بنده مذاکراتم راجع به موادی بود که جناب آقای حائری زاده راجع بدلیل عدم صلاحیت من فرمودند و پاسخ آن را هم دادم و حالا اجازه میخواهم یکبار مود اعتراضیه و اعلام جرم هائیکه از طرف آقای مکی شده است گرچه چیزهایی که ایشان گفته اند و آنهایی که من میخواهم بگویم مربوط به اعتبارنامه و صلاحیت نمایندگان نیست ولی آنچه که ایشان گفتند کدر کمیسیون پاسخ عرض شود ، اول ایشان گفتند کدر کمیسیون سازمان حزب دمکرات ورقه عضویت حزبی من وارد کردند ، من توقمی غیر از این نداشتم ، ایشان اگر در یک معنی باشند راجع به شخص بنده راجع بوضعیت اجتماعی بنده در هر موقمی باشد رای نمیدهند عملاً هم ثابت کردند که مخالف هستند و مخالف هم روی احساسات شخصی خودش رای منفی خواهد داد بنا بر این اگر فرضاً ورقه را هم رد کرده باشند این موضوع دلیل بر عدم صلاحیت من برای ورود بحزب دمکرات ایران نیست ایشان بامن مخالف بودند و مخالفت ایشان از روز اول فروردین ۱۳۲۵ یعنی از موقمی که من بشهرداری رفتم شروع شد اما میخواهم بگویم که ایشان دروغ می گویند چطور دروغ میگویند؟ میخواهم عرض کنم که کمیسیون تشکیلات مأمور تشکیل سازمانهای حزبی است ، سازمان فارس را تعیین میکند ، سازمان تهران را تعیین میکند سازمان کاشان را تعیین میکند کمیسیون سازمان صلاحیت رسیدگی بآنکته ها صلاحیت رسیدگی باوراث ورودیه افراد حزبی در حزب را ندارد ، آقایان شامدر حزب هستید در کمیسیون سازمان آیا ورقه اعتبارنامه یک فرد حزبی مطرح شده ؟ صحیح است رسیدگی بآنکته ها را صلاحیت رسیدگی با افراد را ندارد ، آنروز مملکت محتاج با اتفاق و اتحاد تمام افراد ملت ایران بود بهیچوجه من الوجوه تصمیمی به رد یا قبول یک فردی ننگرفتم باستانی یک موارد بخصوصی که لازم بود ، یک اشخاصی وارد کردند و آن اشخاصی را کرد کردند در تابلو حزبی نوشته بود پس باین دلیل که عرض کردم بنده در عضویت حزب دموکرات ایران از نقطه نظر اینکه حزب دموکرات ایران طرفدار وحدت ملی ، طرفدار حیثیت افراد و آزادی ملت است هستم ولی من هنوز حکم رانداده ام ، آن کارت راهنوز نگرفته ام و توی جیب نگذاشته ام ، بنا بر این عضو حزب دموکرات ایران هستم پس این قسمت از فرمایش ایشان قویاً رد میشود . دوم آقای مکی گفته که من در موقع انتخابات دوره ۱۴ با شناسنامه معمول رفتم رای بدهم آنجا توقیم کردند ، تلفنی شد بایشان ، چند تا تلفن ، تا اینکه بالاخره ارفاق بمن کردند ترحم کردند ، نخواستند آبرویم بریزد . اولاً در آنجا بیکه در انتخابات دوره ۱۴ نظار نشسته بودند رای میگرفتند تلفنی نبود ثانیاً اگر فرض بکنیم تلفنی بود یا نبود و یک اشخاصی در خارج

هلاقند بودند باینکه بنده توقیف نشوم مگر تمام رفقای تهران من میدانستند که من آنوقت رفته ام برای بدهم که بفرستند بایشان بگویند ولش کن و اگر ایشان از پرونده های قطور دوره چهاردهم بک موضوع مثل این بیاک موضوعاتی غیر از این بر علیه من پیدا کردند نه تنها تصدیق بر این موضوع میکنند ، بلکه تمام چیزهایی را که ایشان میگورند من مرتکب شده ام تصدیق میکنند . ثالثاً یکنفر که میخواهد برود رای بدهد و خودش هم کاندید است و دوهزار رای دارد و سرشناس است و می شناسندش این که خودش نمی آید برود رای مکرر بیاک شناسنامه معمول بدهد اگر هم میخواهد این کار را بکند می رود یکنفر دهاتی پیدا میکنند که برود رای بدهد شما گفته مشایخی یکنفره رای داد ، یکنفره هم با شناسنامه معمول رای داد آقایان هم قبول کردند اگر شما نتوانستید یک چنین مدرکی بدست بیاورید تمام فرمایشات صحیح است ، تمام این اتهاماتی که بن میزید و آن چیزهایی که بالاخره خیال میکنید بعداً بن بگوئید تمام صحیح است آقای مکی گفته که راجع بپیر مطابق انتشارات روزنامه کارگران شهرداری تهران در ظرف یک ماه ۴۰ عداد برق داده ، این صورت برقی است که داده شده همان صورتی که در روزنامه نوشته شده ، من تصدیق میکنم که ۴۰ تا برق داده شده است ولی چه شد که چهل تا برق دادیم ؟ اولاً در ظرف یکماه نادادیم ، ۴۰ برق در ظرف ۱۷ ماه داده شد ، اگر غیر از این صورت در زمان تصدی بنده و بدستور بنده و بدستور مقامات دیگر در اداره برق ، برق داده شده باشد بنده مقصر هستم . ۴۰ برق در ۱۷ ماه بکی دادیم ؟ ۲۵ هزار نفر متقاضی برق در طهران در ظرف این ۱۷ ماهه بود ، نمی گویم ۲۵ هزار نفر بمن مراجعه نکردند ، روزی سی و چهل نفر بمن مراجعه کردند و برق خواستند باوراث ورودیه افراد حزبی در حزب را ندارد ، آقایان شامدر حزب هستید در کمیسیون سازمان آیا ورقه اعتبارنامه یک فرد حزبی مطرح شده ؟ صحیح است رسیدگی بآنکته ها را صلاحیت رسیدگی با افراد را ندارد ، آنروز مملکت محتاج با اتفاق و اتحاد تمام افراد ملت ایران بود بهیچوجه من الوجوه تصمیمی به رد یا قبول یک فردی ننگرفتم باستانی یک موارد بخصوصی که لازم بود ، یک اشخاصی وارد کردند و آن اشخاصی را کرد کردند در تابلو حزبی نوشته بود پس باین دلیل که عرض کردم بنده در عضویت حزب دموکرات ایران از نقطه نظر اینکه حزب دموکرات ایران طرفدار وحدت ملی ، طرفدار حیثیت افراد و آزادی ملت است هستم ولی من هنوز حکم رانداده ام ، آن کارت راهنوز نگرفته ام و توی جیب نگذاشته ام ، بنا بر این عضو حزب دموکرات ایران هستم پس این قسمت از فرمایش ایشان قویاً رد میشود . دوم آقای مکی گفته که من در موقع انتخابات دوره ۱۴ با شناسنامه معمول رفتم رای بدهم آنجا توقیم کردند ، تلفنی شد بایشان ، چند تا تلفن ، تا اینکه بالاخره ارفاق بمن کردند ترحم کردند ، نخواستند آبرویم بریزد . اولاً در آنجا بیکه در انتخابات دوره ۱۴ نظار نشسته بودند رای میگرفتند تلفنی نبود ثانیاً اگر فرض بکنیم تلفنی بود یا نبود و یک اشخاصی در خارج

داریم مصرف کم داریم برای اینکه مملکت ما مملکت صنعتی نیست ، شهر تهران شهر صنعتی نیست ۶۰۰۰ کیلو وات برق در روز مصرف نمیشود حالا هم آقایان اگر برق در روز میخواهند میدهم دادن برق روز که اشکالی نداشته ، پار سال متوجه شدیم که حمامهای تهران زیاد آب میگیرند بهشان اعلام کردیم که هر کس حمام جدید میخواهد بسازد و همچنین بعضی از حمامها در صورتیکه بخواهند حمام دائر بکنند و کسانیکه میخواهند حمام جدید بسازند ملزم هستند که چاه بزنند و برق مجانی هم بهشان میدهم برای اینکه آب تهران را تقویت بکنیم و برای اینکه حمام زیادی هم در تهران داشته باشیم بهر کسی که تقاضای برق روز بکند برق مجانی میدهم حالا هم میدهم ، کمپانی استودیو بیکر را گفتند ۱۵ هزار تومان یک ماشین داده است صحیح است . یک ماشین داده ی برق روز گرفته ولی چه ماشینی ؟ یک ماشین استودیو بیکر ، دونفر مهندس امریکائی کارخانه وستینگهاوس وارد شدند به تهران برای نصب این کارخانه ۸۰۰۰ کیلوواتی ، و طبق قرار دادی که ما با کمپانی وستینگهاوس داشتیم مقرر بود که هر چند روز شود هزینه مدت توقف آنها را در ایران در تهران پرداخت کنیم از هر قسم و هر نوع ، یکیش هم وسیله نقلیه بود ماشین خواستیم . ماشین در بازار آزاد قیمتش زیادتر بود رئیس برق رفت پیش کمپانی استودیو بیکر یک ماشین استودیو بیکر ۱۵ هزار تومانی را خریده بود ۱۴ هزار تومان یک برق روز هم باو داد نمره چکش معلوم است ماشین هم الان زیر پای آنهاست این مال آن برقی است که گفتند به کمپانی استودیو بیکر برق دادند . گفته شد که آقای نیکور سه هزار تومان پول برق فروش بود و وقتیکه برقی را قطع کردند من اعتراض کردم و آقای مکی گفت بگو چرا قطع کردند ؟ جریان امر این است ، پرونده هم دارد ، اختلافی بود بین آقای نیکور و اداره برق در عرض سه سال موضوع اختلاف این بود که ایشان یک تیغه ای دارند که یک کنتوری داشت مستاجرین آنجا هم کنتور فرعی داشتند ، اختلافاتی پیدا شده بود در مصرف برق با تطبیق کنتور اصلی و کنتور فرعی ، این اختلاف مدت سه سال در اداره برق مورد بحث بود وقتی برق ایشان را قطع کردند من بایشان گفتم آقای نیکور از نقطه نظر شخص من این موضوع را بگذار کنار سه هزار تومان رابده ، سه هزار تومان من غیر حق از او گرفتم و دادم به شهرداری این موضوع نظایر زیاد دیگری هم دارد علاوه این موضوع پول از آقای نیکور گرفتن تذکرش برای چه بود من نفهمیدم ، گفتند برق داده به کی ها داده یکمده را گفتم که برق روز بود یکمده هم برق شب بود ، برق شب را هم در حاشیه اینجا نوشته طبق تصویرنامه شماره فلان وزارت کشور به نیابت انجمن شهر و در مقابل هر کدامشان توضیح داده شده ، یکمده از دکترهای طب ، یکمده از شخصیت های برجسته مملکت و قائم مقامی انجمن شهر برق داده شده است نه اینکه خودم داده باشم آنها تصویب کردند کمن دادم به کی دادم ؟ چهل تا برق است که شهرداری داده است اداره برق یک موسسه بهره برداری است باید برق بفروشد پول بگیرند و روز ما برق زیاد

این مرد وطن پرست برق نمیخواهد توی این مملکت ؟ (صحیح است) این برق بایول فروخته شده ، به میرزا محمدخان قزوینی یک برق دادیم ، یکمده چشم پزشکی که اینها کارشان با برق است و حتماً باید برق داشته باشند باینها برق ندیمم برای اینکه بالاخره منابع قانونی دارد ؟ یکی دو نفر از رفقای نماینده مجلس شورای ملی که احتیاج داشتند برق دادیم فرض کنید آقای دکتر اعتبار ، دکتر اعتبار خواهرش پزشک است برق میخواست باو برق دادیم (حاذقی - چیزی هم نگرفتید ؟) نمایانم خودش بگوید ، مقصود این است که بالاخره برق دادن ، در ظرف ۱۷ ماه ۴۰ تا برق دادن این کستیون یک کستیون قابل توجهی است که بمن اعلام جرم بشود ؟ بفرستید به کمیسیونهای مربوطه مدت ها وقت مجلس شورای ملی تلفن بشود بعد برود بدیوان کیفر که ۴۰ تا برق داده اند ؟ بدستور مقامات مربوطه دادم ، این صورتش است ، در ۱۷ ماه ۴۰ تا برق اینطوری داده شده اگر میل دارید صورتش را هم میخوانم ، ارسلان خلعت بری برق میخواهد این یک نویسنده ای است ، یک مرد وطن پرستی است (صحیح است) ، برق میخواهد بهش برق ندهم ؟ روز نامه ایران برق نداشت در موقع روز نامه نگاری ، بالاخره برق میخواست بهش برق دادیم یکمده دیگری هم هستند و بالاخره تصدیق میکنند یک مشاغل یک معظورواتی هم دارد ، ندارد ؟ توی این مملکت یک جریانی هست یک معظورواتی هست یک مشکلاتی هست یک توقعاتی هست آقایان ، من از ۲۵ هزار متقاضی ۴۰ تا برق دادم آنها چند تاش برق روز است ، یک قسمت بد کترها یک قسمت بشخصیت های بزرگ ولی به وابستگان خود یکدانه برق ندادم مضافاً باینکه گفتم نیروی برق را زیاد کردم ۵۰۰ کیلو وات از آنجا گرفتم بقیه اش را هم آقای دکتر امینی داد بالاخره نیروی برق را هم این جور تقویت کردیم یک کارخانه هم گرفتیم ، باصطلاح معروف پشت مان بکوه بود این کارخانه هم ۸۰۰۰ کیلووات برق است سه ماه دیگر هم نصب می شود عرض کنم اگر دولت یک وسایلی ایجاد کرده بود ترقیاتی داده که سه ماه دیگر ما اینهمه برق داریم چه مانعی دارد که ۴۰ تا برق بدهیم اینها که بالاخره یک مسائلی نیست که مؤثر در کشور و در وضع سیاسی یک نماینده واقع بشوند و اینجا اعلام جرم بشود . راجع به تعداد کارمندان شهرداری گفتند ۳۷۰ نفر کارمند اضافه کرده ، مهندس شمس که مورد اعتماد شماس است این یادداشت را خودش بمن داده . آقای مکی در ظرف یکماه کی قدر شهرداری بوده اند استخدام شده اند البته حق هم داشت که استخدام کند کار بدی که نکرده کار بسیار خوبی کرده چرا ؟ بنده تصمیم گرفتم که یکمده تهران را اسفالت کنم این تهران اسفالت کردن مهندس میخواهد نقشه کش میخواهد باید برود پروژه تهیه کند طرح تهیه کند وسایل کار را فراهم کند بعد هم باید برود در موقع کار نظارت کند که مقاطعه کاران طبق نقشه ای که تهیه شده و قرارداد کی دارد کارشان را بکنند ، اینکار مهندسی میخواست اداره ساختمان شهرداری تقویت بشود تقویت کردیم و امروزه هم میگویم

اگر نمی کردیم چه کنیم ؟ اگر میخواستید شهر سازی خوب در این مملکت باشد در اداره ساختمان شهرداری بایستی هالترین مهندسین کار بکنند صد نفر دیگر هم مهندس میخواهد یک روزی بنده نشسته بودم یکمده از محصلین دانشکده فنی در حدود سی نفر فارغ التحصیل های سال ۱۳۲۴ آمدند توی اطاق من از من کارخواستند گفتند آقاماسی نفر فارغ التحصیل های دانشکده فنی هستیم هر دری میزنیم کاری بمانید بدهند شما کار ما بدهید تحصیلات ما مورد استفاده واقع خواهد شد شما باید ما صدا کنید و استخدام کنید منم صدایشان کردم آمدند آنجا یک عده شان را ایشان می شناختند استخدام کردند یک عده شان را هم بنده استخدام کردم مشغول کار شدند یکمده دیبله دائماً بشهرداری مراجعه میکردند دیبله ای که ۱۲ سال تحصیل کرده است گرسنه است بطور دون اشل استخدام کردم ، جای تأثر و تأسف است که بعد از ۱۲ سال از نظر فقر و استیصال و گرسنگی و پریشانی و درماندگی یک کسی مجبور بشود دون اشل باماهی ۶۰ تومان استخدام بشود ، من چرا استخدامش نکنم ؟ شهر تهران گفتیم ۴ میلیون متر مربع است ۸ برزن بیشتر نداشت بنظر بنده یکی از اصلاحاتی که در شهرداری تهران باید بشود و قانونس باید بمجلس بیاید آنستکه شهر تهران را بایستی به چندین ، به بیست کارتیبه لاقط تقسیم بکنیم ۲۰ تا شهرداری داشته باشیم و یکمده در تهران هم داشته باشیم و آن رئیس شهرداری باشد بنده آمدم این فکر را کردم که اگر این ۸ برزن ۱۶ برزن بشود هم وظایف را بهتر انجام میدهند و هم میتوانند احتیاجات مردم را بهتر تأمین بکنند ۸ تا برزن را ۱۶ تا کردیم و در همین حال یکمده دیبله هم آمدند تقاضای کار کردند یک سی چهل نفری هم استخدام کردیم ، یکی از معمل های که برای تأمین پول اسفالت هست نسبت بکوجه ها مردم باید پولش را بدهند از مردم تهران پول گرفتن تحصیلدار میخواهد ، از مردم پول آب گرفتن تحصیلدار میخواهد . یکمده ای راهم اینطوری استخدام کردیم نه از روی حقوق گفتیم از روی پورسانتاز هر چقدر وصول کردید حقوق میدهم ، جمیع هدای که باین کیفیت در شهرداری تهران استخدام شده اند بیشتر از صد و سی چهل منتهی ۱۵۰ نفر نیست . لازم هم بود احتیاج هم بود اختیارات بنده هم بود استخدام کردم این عمل جرم نیست که چه میگویند ایشان ، در این ارفاقی که اعلام جرم کردند؟ ایشان شیف یک میلیون و سیصد هزار تومان رایبدا کرده اند گفته اند از این راه یک میلیون و سیصد هزار تومان ضرر خورده ، در جای دیگر هم گفتند یک میلیون و سیصد هزار تومان دیگر ضرر زدند بهر صورت بنده یک دسته ضو احتیاج داشتم ، برای سازمان شهرداری ، برای پیشرفت کار شهرداری احتیاج داشتم کارمند بگیرم ، برای اینکه رئیس شهرداری طهران بودم ، کارمند هم استخدام کردم ، گفتند من از بانک ملی کلاهبرداری کردم و باین عنوان هم اعلام جرم کردند . گویا قانون جزا را توجه ندارند کلاهبرداری در موردی مصداق پیدا میکند که یک فردی با وسایل نقلیه و ترویز ، حق کسی را بالاخره ازش بریاید ، کوشش را ببرد این عنوان کلاهبرداری بیشتر مصداق پیدا میکند من نمایانم اگر شهرداری تهران

از بانک ملی قرضه گرفته این بکجای قانون جزا ربطی دارد، تطبیق میکند، که بهش بگوئیم کلاهبرداری شده این کجا نوشته شده؟ این قرضه شده، چرا قرضه گرفتیم برای اینکه بودجه شهرداری ده ملیون تومان است. اولاً چون در تهران ساکن هستم علاقمند بمران و آبادی طهران هستم حضورتان عرض میکنم اگر شما بخواهید شهر طهران آباد شود، اگر بخواهید شهرداری طهران وظایف خودش را انجام دهد اقل در سال یک متر زمین یک تومان خرج دارد اینجا چهل ملیون تومان باید بودجه شهرداری باشد تا وقتی که شما چهل ملیون تومان بودجه شهرداری نداشته باشید توفقی هم از شهردار بیچاره نباید داشته باشید، صاف و ساده حسابش معلوم است، یک متر زمین از نقطه نظر رفتگر، از نقطه نظر نظافت، از نقطه نظر آبیاری، از نقطه نظر درخت کاری، از نقطه نظر هزاران کار دیگر باید در هر ذرع یک تومان بدهید. برای اینکه کاملاً بتوانیم احتیاجات شهر طهران را مرتفع کنیم دوست ملیون تومان لازم است اما در حال حاضر حد اقل احتیاجات طهران چهل ملیون تومان است و با ده ملیون تومان احتیاجات شهرداری طهران رفع نمیشود متأسفانه بی مطالعه کار میشود. امیدوار هستم که در آینده مجلس شورای ملی با توجه کاملی که دارد این موانع و مشکلات را رفع کند، چطور بی مطالعه کار میشود؟ یک درآمدی داشت شهرداری، بنام هوارض قبان در سال ۱۳۲۰ چهار ملیون و دوست هزار تومان از این راه درآمد شهرداری بود، آقای دکتر میلسیو آمد خواست در این مملکت رفورم مالیاتی بکند. گفت سیستم مالیات قبان، هوارض قبان و مالیات صدی ۳ حیف و میل زیاد است ملغی شود، خوب این یک نظری بود این سیستم مالیاتی را متناسب با این مملکت نمیدانست گفت در هوز چه باید بشود مالیات بردرآمد باید درست کرد، نرخ مالیات بردرآمد هم از چهار و هشت و دوازده در صد ترقی کرد به هشتاد در صد در آنجا یک درآمدی پیش بینی شد گفت ده در صد مالیات پرداختی را که هر مؤدی مالیاتی باید پرداخت کند بسود شهرداری اضافه شود یعنی هر کس که صد تومان مالیاتش است صد و ده تومان بدهد یعنی ده تومان آن مال شهرداری است همانطوری که حساب کرده بود که از راه وصول مالیات بردرآمد سیصد ملیون تومان درآمد کشور خواهد شد روی این حساب گفت درآمد شهرداری طهران هم با این حساب میشود ده مایون تومان و چون آن سیصد ملیون تومان را نتوانست وصول کند و مالیات قبلی هم وصول نشد بالنتیجه سهمیه مالیات بر درآمد شهرداری طهران وصول نشد و این یکی از منابع مهم شهرداری طهران بود که از دستش رفت آمدند و گفتند چکار کنیم؟ گفتند که بر کالاهای انحصاری یک هوارض وضع میکنیم، از راه وصول این هوارض بقند و شکر و قماش کسر در آمد شهرداری طهران تأمین شود این کار هم بیک علی اجرا نشد، فقط نسبت بقند و شکر در حال حاضر مایه سی هزار تومان بشهرداری طهران میدهند. آن جا آمدند یک خبطی کردند یک مالیاتی را لغو کردند و مالیات سابق هم که وصول میشد دیگر وصول نشد، خبط دیگر

این بود که وقتی دکتر میلسیو خواست قانون مالیات بردرآمد را نرخش را تنزل بدهد اصلاً سهم مالیات بردرآمد شهرداری را حذف کردند پس این مبلغ در آمد کلی حذف شد بنده وقتی که وارد شهرداری شدم دیدم چهار ملیون تومان منبع درآمد شهرداری از دستش رفته، خوب چکار باید کرد چهار ملیون تومان خرج را کم کردم، خرج که بود؟ حقوق که بود، اصلاحات شهرداری که بود بنگاههای خیریه که بود هزینههای مستمر و غیرمستمر هم بود، چهار ملیون درآمد هم که رفت خوب چکار کنیم باید فکر درآمد باشیم بوزارت دارائی نوشتیم که چرا چهار ملیون تومان رفته در ماه یازدهم سال موفق شدم که دوبره تصویب نامه از هیئت وزیران صادر شد که سهم ده در صد مالیاتی شهرداری طهران داده شود، مجموع وصولی مایک ملیون شد هلت قرضه یکیش این بود یک جهت دیگر هم داشت، عرض شود که ده ملیون تومان از محل املاک اختصاصی شاهانه اهل حضرت فقید طبق یک قانونی که از مجلس شورای ملی گذشته بود اختصاص داده بودند به شهرداری بعنوان هزینه هائی که کرده بود و همچنین برای پرداخت قروضی که شهرداری در نتیجه ساختمانهای اختصاصی داشت در سال ۱۳۲۴ دو ملیون تومان، دو ملیون و کسری از این ممر شهرداری طهران درآمد داشت و همچنین در سال ۲۵ یک ملیون و کسری، این هم که درآمد مستمری نبود بنابراین ۵ ملیون تومان کسر درآمد داشتیم زیرا که در گذشته با داشتن آن در آمد ها موقمی که بنده شهرداری طهران را از آقای نریمان تحویل گرفتم سه ملیون و نیم تومان یا یک قدری بیشتر همین شهرداری بیانک ملی مقروض بود، بنده دستگاه شهرداری را با این کیفیت با نداشتن پول بانداشتن وسیله تحویل گرفتم و وارد کار اجرایی شدم و ۵ ملیون تومان هم از درآمد من کسر شد، این است که در اساننامه پیش بینی شده است که شهرداری هادر موقع ضرورت ببیزان سی در صد قرض داده بشود. برای این هم این قانون را وضع کرده اند که بشهرداری هادر این طور مواقع کمک بشود من از این حق قانونی استفاده کردم تقاضای قرضه کردم از بانک ملی با این حال که مجموع وجوهی که برای شهرداری طهران از بانک ملی گرفته شده باضافه سه ملیون و یانصد هزار تومان که قبلاً مقروض بود در حال حاضر ما هفت ملیون و نیم مقروضیم نه ده ملیون تومان و حتی من بالا بردمش نمیکویم هفت ملیون و نیم تومان قرض داریم الان چهل و پنج ملیون تومان برای لوله کشی، پنج - ملیون تومان برای خانه و یک هفت ملیون و نیم تومان و برای خودش باضافه یک ارقام دیگری تقریباً شصت ملیون تومان ما قرض داریم خیلی بایستی اهالی طهران خوشوقت باشند که یک روزی شهرداری طهران موفق بشود برای عمران و آبادی خودش میلیارد ها مقروض بشود تا اینکه شهر طهران آباد شود. یک شهردار نیستند. تمامی یکی از شهرهای مترقی دنیا محسوب بشود. تمام شهرداریهای دنیا مقروض هستند، شهرداری فرانسه بودجه اش چقدر است؟ معادل بودجه تمام کشور ما شاید باشد، چرا اینقدر کوچک فکر میکنید شهر طهران را با ده ملیون در آمد اداره کنم شش ملیون

تومان را حقوق بدیم دو ملیون تومان هم باقی میماند، آنوقت برق میخواهند، نظافت میخواهند همچو میخواهند همچو میخواهند این که نمیشود پس بنا بر این برای آقایان محرز شده و بیشتر از این هیچ نمیتوانیم کاری بکنیم. عرض میشود یکی از موضوعاتی که اعلام جرم کردند این بود که گفتند یک گوشتی ارتش امریکا بشهرداری طهران داد که بین بنگاههای خیریه تقسیم شود و این گوشت را توی خیابان اسلامبول فروختیم پولش را هم خوردیم و در همین موضوع هم اعلام جرم کردند، عرض میشود ارتش متفقین وقتی در ایران بود یک کالا هائی برای زمان جنگ آورده بود انواع کالاها یک قسمت مهمش در خرمشهر بود و در آنجا یک بنگاه، یک شرکت بازرگانی درست شد و کالاهای متفقین خریداری شد. شب در خیابان اسلامبول میروید میگویند سیگار، کافه، شکلات و از این قبیل که در بازار طهران فروخته میشود، چرا این هارا میفروختند، من اولاً از ارتش امریکا سیاست گزارم که به شهرداری طهران این گوشت هارا مرحمت کرد (صحیح است) بسهم خودم از ملت امریکا که همیشه با ملت ایران حسن مناسبات داشته و در حال حاضر هم این مناسبات حسنه بین ملت ایران و ملت همجوار ما محفوظ است سیاست گزاری میکنم و اظهار خوشوقتی میکنم و طرفدار سیاستی هستیم که در حال حاضر داریم اجرا میکنیم و دنبال او داریم میرویم و از نظر این گوشت هم از دولت امریکا تشکر میکنم. اما این گوشت چه شد؟ این گوشت فروخته نشد من یک راپورتی خواستم از مأمور گوشت، از مأموری که این گوشت را تحویل گرفته است چرا این مأمور رافرستادم، رئیس آتش نشانی را مأمور کردم که برود گوشت را تحویل بگیرد چون مأموریت توزیع یخ امیر آباد بایشان بود و مایخ امیر آباد را هر روز می آوردیم بشهر و به وزارت خانه ها و اشخاصی که مشترک بودند می فروختیم، بر رئیس آتش نشانی گفتم این کامیونی که صبح میرود یخ میآورد گوشت را هم بیاورد یک هفته گذشت از دانشگاه طهران یک نامه ای بمن نوشتند که این سردخانه هائی که در اختیار متفقین بود اجازه دادیم اگر شما هم بخواهید باید بهمین نهج ادامه بدهید باید مال الاجاره اش را بدهید. گمرك هم گفت کالائی که از خارج وارد شد بایران وقتی بخواهند بکسی واگذار کنند بایستی گمرك آن را بدهند، بنده دیدم که ما یکمقدار گوشتی داریم که مطابق ذائقه مردم این کشور نیست ما متشکریم از ارتش امریکا ولی مطابق ذائقه اهالی این کشور نیست و بملاوه یک مقداری هم باید گمرك بدیم و آخرش هم میماند. بدانشگاه نوشتیم همانطور که تا بچال کمک کردید بکفته دیگر هم کمک کنید سه مرتبه اعلان مزایده دادم طبق گزارش هائی که موجود است گوشت های امریکائی در شهر طهران بمزایده فروخته میشود خریداران مراجعه میکنند. همه رفتند دیدند گفتند چون قسمت مهمش گوشت خوک است قابل استفاده نیست فاسد شده است نمیشود خورد.

بقیه دارد